مصلح حقیقی

مهدی کامران

بسم الله الرحمن الرحیم

مصلح حقیقی

نویسنده:

مهدی کامران

ناشر چاپی:

سایت بهائی پژوهی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

مصلح حقیقی

مشخصات کتاب

مصلح حقیقی

کامران، مهدی

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحیم: و قل جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل کان زهوقا. بنی‌اسرائیل آیه ۸۱ یعنی: بگو که حق آمد و باطل نابود شد زیرا که باطل نابود شدنی است. ایمان و اعتقاد به ظهور شخصیتی آسمانی و مصلح حقیقی و انسان کامل جهت ریشه‌کن کردن مفاسد و بدی‌ها و از بین بردن ظلم و ستم و ایجاد یک حکومت الهی و گسترش عدل و داد، روز به روز بیشتر شده به ویژه در انسان‌های منتظر و [صفحه ۴] مسؤول شکوفان‌تر و زنده‌تر می‌گردد. هر چه جنگ و ستیز در میان افراد بشر بیشتر می‌شود و شعله‌ی آن هستی انسان‌ها را می‌سوزاند، خواست و میل عمیق بشر به قیام آن منجی دادگستر زیادتر شده ارزش و اهمیت حکومت عادلانه‌ی آن پیشوای بزرگ و والا مقام بر مبنای فرامین اسلام و قرآن کریم بیشتر احساس می‌شود، چون انسان طبعا خواهان عدل و داد و وحدت بوده گریزان از ظلم و ستم و اختلاف می‌باشد. وقتی که انسان می‌خواند و می‌شنود که در آینده نزدیک بی‌دینی از بین می‌رود و فساد و ظلم ریشه‌کن می‌گردد و به لطف و قدرت پروردگار مهربان صلح و صفا و عدالت در سایه رهبری و زعامت به پیشوائی معصوم و مقتدر، در پهنه‌ی زمین مستقر می‌شود، وحدت و همبستگی جای افتراق و اختلاف را می‌گیرد، عفریت ظلم و جور نابود شده، فرشته‌ی ایمان و توحید در آسمان و فضای آن زمان به پرواز در می‌آید و بشر در تمام شؤون زندگی معتدل می‌گردد، فوق‌العاده مسرور و خوشحال شده مرغ روحش اوج گرفته، امید و آرزویش زنده می‌شود و از خدای خود می‌خواهد هر چه [صفحه ۵] زودتر آن زمان درخشان را برساند، و آن بزرگ پیشوا و مصلح را ظاهر سازد تا بتواند مدتی را در سایه چنین حکومت نورانی و چنان رهبر آسمانی با سعادت کامل و آرامش روحی به سر برد. می‌رسد یک روزگار با شکوه دادگستر، حکمران آید همی می‌رسد صبح سعادت یک زمان عالمی چون بوستان آید همی حجت حق شاهکار صنع حق سرور انسان و جان آید همی آفتاب پر فروغ مهدوی از پس پرده عیان آید همی مولای متقیان می‌فرماید: «انتظروا الفرج و لا تیأسوا من روح الله فان احب الاعمال الی الله عزوجل انتظار الفرج» [۱] . یعنی: در انتظار یک زندگی فرح‌انگیز معنوی (که با ظهور و فرج امام عصر علیه‌السلام حاصل می‌شود) باشید و از رحمت خدا ناامید مشوید زیرا که بهترین و محبوبترین [صفحه ۶] اعمال پیش خداوند متعال انتظار فرج می‌باشد. امید و انتظار به ظهور و قیام نجات دهنده‌ی انسان‌ها و مصلح حقیقی باید سبب تحرک و کوشش و کشش افراد بیدار و منتظر باشد و او را همانند شمعی سازد که برای هدایت و روشنی محیط خود بسوزد تا دگران را از تاریکی و ظلمت نجات دهد. ما نیز بر حسب وظیفه مذهبی و احساس مسئولیت دینی و ایمان و حرکت بیشتر، جهت ساختن محیط و آشنا کردن عموم، خصوصا نسل جوان و گمگشتگان از راه روشن اسلام بر آن شدیم تا این نشریه را به مقدار استعداد و دریافت خود با عنایت پروردگار مهربان و توجه امام عصر علیه‌السلام نوشته تقدیم حضور علاقمندان بنمائیم باشد که چون ران ملخی مقبول پیشگاه سلیمان عصر - حضرت مهدی - واقع شود. انجمن حجتیه مهدیه - بابل [صفحه ۷]

لزوم مصلح برای جهان

اعتقاد به مصلحی توانا و معصوم و پیشوائی مقتدر برای عالم، از گذشته‌ی دور در میان امت‌ها و ملت‌ها وجود داشته مورد توجه همه‌ی ادیان و مکاتب اخلاقی بوده است. همه‌ی پیامبران آسمانی به پیروان خود مژده و بشارت ظهور و قیام یک قائم حقیقی و یک شخصیت برجسته را می‌دادند که عاقبت به امر خدای بزرگ، آخرین امام و مصلح انسان‌ها ظهور خواهد کرد، و بشر گمراه و پریشان را از بی‌دینی و نگرانی نجات خواهد داد و حکومتی عادلانه و الهی در روی [صفحه ۸] زمین مستقر خواهد نمود. این اعتقاد و ایمان روز به روز در قلب و جان انسان‌های موحد مسؤول و اندیشمند نفوذ می‌کند، و هر چه حجم ظلم‌ها و ستم‌ها و مفاسد بیشتر می‌شود، ضرورت ظهور این مصلح آسمانی بیشتر محسوس می‌گردد، تا آنجا که امروز ملاحظه می‌کنیم اکثریت مردم آگاه و متفکر دنیا به وجود مصلح و نجات دهنده‌ی حقیقی معتقدند و قیام مقدس و شکوهمند او را برای تشکیل حکومت واحد جهانی و رفع نگرانی‌های بشر و ایجاد صلح و صفا و عدالت لازم می‌دانند. زنون فیلسوف مشهور یونان قدیم معتقد بود که تمام افراد دنیا باید از قانون و برنامه‌ی واحدی که به وسیله مجری دانا و مقتدر و معصوم و دور از خطا اجراء می‌گردد پیروی و اطاعت کنند تا بتوانند به سعادت و خوشبختی کامل برسند [۲] . راسل فیلسوف معروف نیز معتقد بود که فلسفه‌ی نظریه‌ی صلح جهانی به این علت عملی نمی‌شود که هنوز عالم، پیشوا و مجری دانا و مقتدر و دور از خطا نداشته و ندارد [۳] . [صفحه ۹] این دانشمند می‌گوید که اگر رهبری برای سعادت عالم برخیزد و بخواهد همه‌ی مردم جهان را تحت یک حکومت و قانون در آورد باید اولاـ دانا و عالم به همه‌ی نیازهای افراد بشر بوده، ثانیا از قدرت و توانایی فوق‌العاده جهت برقراری وحدت و صلح برخوردار باشد، ثالثا در زندگی مرتکب کوچکترین انحراف و گناه نشده به اعتقاد ما شیعیان معصوم و دور از خطا باشد. امید به یک زندگی انسانی بر اساس عدل و داد تحت یک حکومت آسمانی و برنامه‌ی الهی در سایه زعامت و رهبری یک انسان ممتاز و کامل از خواسته‌های حتمی و بدیهی هر انسان عامل و آگاه می‌باشد. و هر چه جو و فضای محیط زیست ظلمانی‌تر و تاریکتر شود، عشق انسان به چنین زندگی ایده‌آل بیشتر شده، تلاشش جهت استقرار چنان برنامه‌ی کامل زیادتر می‌گردد. کیست که دلش برای زندگی در یک محیط و فضای پر از صلح و صفا و امنیت نتپد و مرغ روحش جهت پرواز در آن دیار مصفی و مبری از هر تیرگی و ظلمت اوج نگیرد؟کیست که نخواهد تحت سرپرستی و پیشوائی آن انسان کامل [صفحه ۱۰] و آن پناهگاه مظلومان و بیچارگان به سر برد و در تحت اطاعت چنان حکومت عادلانه و نورانی در نیاید؟ کدام انسان منتظری است که پرنده‌ی دلش برای نغمه‌سرائی بر روی شاخسار با طراوت درخت بوستان سبز و خرم اسلام به هنگام حکومت و امامت ظاهری و سلطنت جهانی آن مصلح حقیقی و آن نجات دهنده‌ی انسان‌ها، پر نزند؟ و کدام چشم مشتاقی است که به زیارت و تماشای آن محبوب مشتاقان و منتظران و آن یوسف عسکری - که یوسف یعقوب کمینه غلام پیشگاه او است - مایل و علاقمند نباشد. لذا اعتقاد به وجود یک مصلح مقتدر و معصوم برای آینده‌ی جهان جهت ایجاد حکومت عادلانه‌ی اسلامی و پر کردن زمین به عدل و داد از امور روشن و بدیهی و مسلم بوده و هست، و این چنین عقیده و ایمانی قطعا ریشه‌ی الهی و آسمانی دارد؛ به عبارت روشن‌تر خداوند متعال از روز ازل مقدر فرموده که در آخرالزمان یک رهبر و پیشوای برجسته و کامل از دودمان رسول اکرم و از گلزار حضرت فاطمه و امیرالمؤمنین و از گلشن امام عسکری و نرجس (ع) به قدرتش باید قیام کند و جهان پر از آشوب را منظم و آرام سازد و به امید و [صفحه ۱۱] آرزوی همه‌ی پیامبران و پیشوایان لباس تحقق بپوشاند و روح و دم مهدوی در کالبد فسرده‌ی جهان و جهانیان بدمد و عالم مرده را با این نفس حیات بخش آسمانیش زنده کند که در قرآن کریم وعده فرموده است: «اعلموا ان الله یحیی الارض بعد موتها قد بینالکم الایات لعلکم تعقلون» [۴] یعنی: بدانید هر آینه خداوند زمین را بعد از مردنش زنده می‌کند ما برای شما نشانه‌ها و آیات خود را روشن کردیم امید است تعقل و تفکر کنید. امام باقر (ع) در ذیل این آیه فرمود «خداوند بلند مرتبه زمین را به وجود قائم بعد از اینکه به کفر وجور مرده و افسرده شد، زنده و احیاء می‌کند [۵] .

بشارت‌های گذشتگان راجع به مصلح آسمانی

برای اینکه مسأله قیام مصلح برای خواننده عزیز بیشتر روشن شود در اینجا پیش‌بینی‌ها و بشارت‌های بعضی از بزرگان دین و پیشوایان و دگران را به اختصار یادآور می‌شویم: [صفحه ۱۲] ۱- در مزمور ۳۷ کتاب زبور حضرت داود آیه ۹ به بعد آمده است «زیرا که شریران منقطع می‌شوند، متواضعان وارث زمین شده از کثرت سلامتی بهره‌مند خواهند شد، صدیقان (راستگویان) وارث زمین شده همیشه در آن ساکن خواهند شد» [۶] . این بشارت اشاره به آیه‌ی شریفه‌ی قرآن است که می‌فرماید: «و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکران الارض یرثها عبادی الصالحون» [۷] یعنی: هر آینه در زبور پس از ذکر (توراة) نوشتیم که زمین را بندگان صالح من وارث می‌شوند. در بحار نقل شده که منظور از بندگان صالح در این آیه‌ی کریمه، حضرت مهدی و یاران او می‌باشند. [۸] . ۲- در انجیل متی باب ۲۵ آیه ۳۱ و ۳۴ می‌نویسد: «چون فرزند انسان در جلال خود خواهد آمد با جمیع ملائکه مقدسه بر کرسی بزرگ خود قرار خواهد گرفت [صفحه ۱۳] همگی قبایل نزد وی جمع خواهند گشت و آن‌ها را از یکدیگر جدا خواهند نمود» [۹] . که منظور از فرزند انسان مصلح حقیقی، حضرت مهدی (ع) می‌باشد. ۳- در کتاب دید که در نزد هندیان از کتب آسمانی محسوب می‌شود و نوشته شده که «پس از خرابی دنیا، پادشاهی در آخرالزمان پیدا شود که پیشوای خلایق باشد و نام او منصور باشد و تمام عالم را بگیرد و به دین خود در آورد و همه کس را از مؤمن و کافر بشناسد و هر چه از خدا خواهد بر آید [۱۰] . کلمه‌ی منصور که در این بشارت آمده یکی از القاب مصلح آسمانی حضرت مهدی است. [۱۱] و هم چنین در روایات اسلامی نقل شده که خداوند به دستش مغرب و مشرق زمین را فتح می‌کند و سلطنت و سیطره‌ی او به شرق و غرب عالم [صفحه ۱۴] می‌رسد چنانچه از پیامبر اکرم (ص) روایت شده که فرمود: «یفتح الله تعالی ذکره علی یدیه مشارق الارض و مغاربها... و یبلغ سلطانه المشرق و المغرب» [۱۲] . ۴- پاتیکل که به اعتقاد هندی‌ها از پیامبران آسمانی است در کتاب خود راجع به دولت با سعادت مصلح آسمانی این چنین پیش‌بینی نموده است: «چون مدت روز تمام شود دنیای کهنه نو شود و زنده گردد و صاحب ملك تازه پیدا شود از فرزندان دو پیشوای بزرگ جهان که یکی ناموس آخرالزمان (منظور رسول اکرم است) و دیگری صدیق اکبر (منظور مولای متقیان می‌باشد) است، نام آن صاحب ملك تازه راهنما است (راهنما نام حضرت مهدی است) به حق پادشاه شود و خلیفه‌ی رام باشد (رام به لغت سانسکریتی خدا است) و حکم براند و او را معجزه بسیار باشد هر که پناه به او برد و دین پدران او را اختیار کند سرخ روی باشد» [۱۳] . ۵- جاماسب حکیم که به اعتقاد ایرانیان سابق پیامبر بوده و در جاماسب نامه می‌نویسد: «مردی بیرون آید از [صفحه ۱۵] زمین تازیان از فرزندان هاشم مردی بزرگ سر و بزرگ تن و بزرگ ساق بر دین جد خویش بود با سپاه بسیار روی به ایران نهد و آبادانی کند و زمین پر داد کند و از داد وی باشد گرگ با میش آب خورد... و همه کس به دین مهر آزمای (منظور پیامبر اکرم است) باز آیند و جور و آشوب از جهان برخیزد چنانکه فراموش کنند که چون سلاح باید داشتن؟ و اگر وصف نیکوئی آن کنم تلخ گردد این زندگانی که ما بدو اندریم» [۱۴] .

همه در انتظار مصلح آسمانی به سر می‌برند

همان طور که قبلا گفته شد انتظار قیام مصلح و رهبر آسمانی در میان ملل و امم از گذشته وجود داشته و اکثریت انسان‌ها به وجود مصلحی که باید قیام کند و جهان را به عدل و داد پر نماید معتقد بودند در اینجا جهت توجه خوانندگان محترم به این موضوع ریشه‌دار، عقاید بعضی از طوایف را از کتاب ادیان و مهدویت نقل می‌کنیم: ۱- برهمنان از گذشته‌ی دور بر این عقیده بودند که در [صفحه ۱۶] آخرالزمان شخصی به نام «ویشنو» ظهور می‌نماید و بر اسب سفیدی سوار می‌شود، و شمشیر سفیدی به دست گرفته مخالفین را خواهد کشت و تمام دنیا را به دین برهمن در خواهد آورد». ۲- ساکنین جزایر انگلستان از چندین قرن قبل آرزومند و منتظرند شخصی به نام آرتور که در جزیره‌ی آوالون سکونت دارد روزی ظاهر شود و نژاد ساکسون را در دنیا غالب گرداند و

سیادت و آقائی دنیا نصیب آن‌ها گردد.» ۳- ایرانیان قدیم معتقد بودند که گرز اسپه پهلوان نامی و تاریخی آنان زنده است و در کابل خوابیده و صد هزار فرشته او را پاسبانی می‌کنند تا روزی که بیدار شود قیام نماید». ۴- یهودیان نیز قائل شده‌اند که در آخرالزمان شخصی به نام ماشیع (مهدی بزرگ) پیدا می‌شود که پادشاه پادشاهان می‌باشد و نصاری نیز به وجود مهدی قائل شده می‌گویند «ماهدی» ظهور کرده عالم را خواهد گرفت [۱۵]. [صفحه ۱۷]

مصلح حقیقی کیست؟

اشاره

تا اینجا معلوم شد که عقیده به قیام یک مصلح جزء اعتقادات اصولی و ضروریات دینی گذشتگان بوده و همه در انتظار چنین شخصیتی که بر اندازنده‌ی اساس ظلم و ستم و گستراننده‌ی عدل و داد می‌باشد، بوده‌اند. حال باید دانست که این مصلح کیست؟ و چه خصوصیاتی را دارا است؟ و از چه دودمان و خانواده‌ای است؟ آیا عده‌ای را که بر شمردیم مصلح واقعی بودند و توانستند نقش مصلح آسمانی و حقیقی را در روی زمین داشته باشند یا فقط مورد اعتقاد پیروان و علاقمندان خود در زمانی محسوب می‌شدند ولی نتوانستند جهان را به عدل و داد پر کرده از ظلم و جور پاک نمایند. قبل از اینکه مصلح حقیقی را بهتر بشناسیم و با برنامه‌ی او آشنا شویم لازم به تذکر است که به دو راه می‌شود مصلحان مورد اعتقاد دیگران را چه پیش از اسلام و چه بعد از اسلام رد کرده آنان را به عنوان نمونه‌های دروغ و کذب یا خدمتگزاران قلابی مردم و اجتماع (نه مصلح واقعی) شناخت [۱۶]. [صفحه ۱۸] راه اول: اینکه یا پهلوانان و بزرگان گذشته که به اشتباه مصلح محسوب شدند خروج و قیامشان اصلا تحقق خارجی نداشته و ظهور و بروزی برای آنان نبوده یا که اگر حرکت و قیامی به وجود آوردند بسیار ناچیز و غیر قابل توجه بود و نه تنها عدل و دادی در گوشه‌ای از عالم به وجود نیاوردند بلکه عامل ایجاد مشکلاتی گشته بر حجم ظلم و ستم و بی‌دینی موجود افزودند. از باب مثال همان (ویشنو) برهمائی یا اصلا قیام نکرده و یا اگر کرده کاری از پیش نبرده و هم چنین آرتور و گرزاسپه و دیگران. راه دوم: بشارت‌ها و مژده‌های پیامبران آسمانی و تأسیس [صفحه ۱۹] کنندگان مکاتب اخلاقی درباره‌ی نامبردگان هیچ صادق نیست و خصوصیات و نشانه‌هائی که رهبران آسمانی راجع به مصلح آخرالزمان در کتاب‌های خود فرمودند در مورد دیگران هیچ مطابقت ندارد. بلکه باتوجه به تعمق در این بشارت‌ها نتیجه می‌گیریم تنها شخصیتی که این نشانه‌ها و علامت‌ها را دارا است مصلح اسلام و منجی جهان بشری حضرت حجة بن الحسن العسکری علیه‌السلام می‌باشد.

خصوصیات مصلح حقیقی

برتراند راسل در کتاب امیدهای نو می‌نویسد: «جهان برای اینکه تحت یک حکومت در آید و نظریه فلسفه‌ی صلح جهانی عملی شود و در روی زمین حکومت واحد جهانی تشکیل گردد؛ باید دارای رهبر و مجری دانا و مقتدر و دور از خطا باشد [۱۷]. [صفحه ۲۰] مسلما تمام افرادی که به اعتقاد پیشینیان باید قیام بکنند و رهبر عالم شوند یا هر سه خصلت و امتیاز را نداشته و یا یکی دو تا را دارا نبودند؛ به ویژه که هیچ یک از مصلحان ادعائی دارای صفت و ملکه عصمت (معصوم بودن) که از امتیازات مهم مصلح اسلام است نبوده و نخواهند بود. و هیچ کس هم نگفته که آنان در زندگی معصوم و دور از خطا بوده‌اند. با توجه بیشتر در می‌یابیم که این سه امتیاز و سه خصلت کلا در قائم اسلام که آخرین حجت الهی است به حد کمال وجود دارد. و اینک توضیح بیشتر در این مورد: اول: راجع به علم و دانش مصلح حقیقی، مبرهن و روشن است که امام و حجت وقت و پیشوای بر حق زمان باید از همه‌ی مردم روی زمین داناتر باشد و این مطلبی است که شیعه‌ی امامیه با دلایل فراوان آن را اثبات می‌کند و آیات قرآن کریم و روایات

معتبر اسلامی مؤید آن می‌باشد [۱۸] دشمنان اسلام و مخالفان ائمه بالاتفاق معتقد بودند که پیشوایان شیعه داناترین فرد روی زمین می‌باشند. [صفحه ۲۱] در مورد علم و دانش مصلح اسلام که فعلا محل بحث است، اخبار و روایات فراوانی وارد شده که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود: امام سجاد علیه‌السلام راجع به علم و کمال مصلح حقیقی می‌فرماید: «علم و دانش کلا بیست و هفت حرف است، مجموع آنچه را که پیامبران آورده‌اند دو حرف می‌باشد تا امروز مردم جز دو حرف را نشناختند پس هر گاه قائم ما قیام کند بیست و پنج حرف دیگر را ظاهر می‌نماید و در میان مردم پخش می‌کند و دو حرف سابق را نیز بدان ضمیمه می‌نماید تا به بیست و هفت حرف برسد و همه (علم) در میان مردم پخش گردد» [۱۹] . این روایت مقام فوق‌العاده علمی حضرت مهدی، مصلح حقیقی را بیان می‌کند که تا حال این همه ترقیات علمی در سایه دو حرف علم بوده است، مسلم وقتی که امام عصر ظهور کند و بیست و پنج حرف دیگر را بیاورد چقدر جهان از نظر علم و دانش و کمال پیش خواهد رفت که از همه مهمتر دانش دین مقدس اسلام خواهد بود. و این است یکی از اسباب پر کردن زمین به عدل و داد توسط امام عصر ارواحنا فداه. [صفحه ۲۲] ۲- علم و دانش از وجود مقدس و پر فیض این مصلح آن قدر بروز و ظهور می‌کند که یک فرد مؤمن در زمان حکومت و امامت ظاهری آن بزرگوار می‌تواند بدون واسطه از مسافت‌های دور برادر دیگر خود را ببیند، به روایت زیر توجه کنید که امام صادق علیه‌السلام فرمود: «ان المؤمن فی زمان القائم و هو بالمشرق لیری اخاه الذی فی المغرب و کذا الذی فی المغرب یری اخاه الذی بالمشرق» [۲۰] . یعنی: هر آینه در زمان قائم، مؤمن از مشرق برادر خویش را که در مغرب هست می‌بیند و هم چنین آنکه در مغرب می‌باشد برادر خود را که در مشرق است خواهد دید. ۳- امام باقر فرمود: «اذا قام قائمنا وضع یده علی رؤوس العباد فجمع به عقولهم و اکمل به اخلاقهم [۲۱] «یعنی: هرگاه قائم ما قیام کند دستش را بر سر بندگان می‌گذارد عقل‌هایشان بدین (محبت و لطف امام) جمع شده اخلاقشان کامل می‌گردد. [صفحه ۲۳] با این چند روایت که از باب نمونه درباره‌ی علم و دانش تشکیل دهنده‌ی حکومت واحد جهانی نقل شد توجه فرمودید که مصلح اسلام از نظر کمال و دانائی در چه پایه‌ای قرار دارد، یا مصلحان دروغی و مهدی نماها که در گذشته‌ی دور و نزدیک قیام نمودند از چنین کمال و فضلی برخوردار بودند یا نه؟ مسلما جواب منفی است. البته باید دانست که خداوند قادر و توانا برای اینکه به دست با کفایت مصلح حقیقی، جهان را به عدل و داد و علم و کمال پر کند به آخرین سفیر و حجت خود این چنین افاضه خواهد فرمود و او را داناترین فرد روزگار قرار خواهد داد. دوم: مصلح حقیقی باید نیرومند و توانا باشد، آنچنان قدرت و توانائی که بر همه‌ی جهان مسلط و حاکم شده و عالم را زیر سیطره و اقتدار خود در آورد و تمام گردنکشان و قدرتمندان را نابود کند و مصلح حقیقی و عدل واقعی را در روی زمین گسترش دهند چنانچه امام صادق (ع) فرمود. «لکل اناس دولة یرقبونها و دولتنا فی آخر الدهر یظهر» یعنی: برای هر گروهی از مردم دولت و حکومتی است که [صفحه ۲۴] منتظر آنند اما دولت و حکومت ما در آخرالزمان ظاهر و آشکار می‌گردد. با اندک مطالعه در حال دگر مدعیان معلوم می‌شود که آنان از این قدرت و نیروی فراوان و فوق‌العاده برخوردار نبوده نتوانستند بر همه‌ی پهنه زمین اقتدار و سلطنت یابند. آیا زمین را به عدل و داد و پر نمودن و از ظلم و جور ریشه‌کن کردن کار سهل و آسانی است؟ آیا یک قدرت مافوق بشری نباید این کار عظیم را انجام دهد؟ آیا هیچ یک از قدرتمندان و توانایان می‌توانند گوشه‌ی محدودی از عالم موجود را به عدل و قسط پر کنند و بی‌دینی و فساد را از بین ببرند؟ مسلم نه. اما با توجه به آیات قرآن کریم و روایات اسلامی معلوم می‌شود که مصلح اسلام به قدرت خدای توانا از نیروی فوق‌العاده‌ای برخوردار است که در سایه این قدرت الهی می‌تواند بنا به فرموده‌ی رسول اکرم و ائمه‌ی اطهار و پیامبران پیشین سلام الله علیهم زمین را به نور عدل و ایمان روشن کرده جور و ستم را در آن ریشه‌کن نماید. امیری که در سایه‌ی لطف ربش زمین را کند پر ز عدل و ز ایمان [صفحه ۲۵] جهان در زمانش شود همچو جنت نه پیدا است عفریت فحشا و عدوان شود پر ز صلح و صفا عالم ما رسد عمر بی‌دینی و جور پایان رود شام ظلمانی و روز تیره رسد صبح موعود آن ماه تابان

دو شاهد از قرآن کریم راجع به نیروی عظیم مصلح اسلام

۱- سوره قصص آیه ۵ می‌فرماید: «و نرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمهٔ و نجعلهم الوارثین» یعنی: (ما خداوند) اراده نمودیم بر کسانی که در زمین ضعیف شده‌اند منت بگذاریم. از اینکه آنان را پیشوایان و وارثان زمین بگردانیم. امام باقر و امام صادق فرمودند: «این آیه مخصوص به صاحب امر است که در آخرالزمان ظاهر می‌شود و جباران و گردنکشان و فرعون صفت‌ها را نابود می‌کند و شرق و غرب زمین را مالک می‌گردد و آن را به عدل و داد پر می‌نماید آن - [صفحه ۲۶] چنانکه به جور پر شده بود» [۲۲] . ۲- سوره‌ی توبه آیه‌ی ۳۳ «هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون». یعنی: او (خدائی) است که رسول خود را برای هدایت و (تبلیغ) دین حق فرستاد تا اینکه آن را بر همه‌ی دین‌ها ظاهر کرده و برتری دهد و لو اینکه مشرکان دلخوش نباشند. امام باقر فرمود: «به درستی که این موضوع (چیره شدن اسلام بر همه‌ی ادیان) هنگم خروج مهدی از آل محمد عملی و محقق می‌شود پس (در آن زمان) احدی باقی نمی‌ماند مگر اینکه به محمد (ص) اقرار می‌کند» [۲۳] . [صفحه ۲۷]

سه شاهد از روایات اسلامی در این مورد

اشاره

۱- قال الصادق (ع): «ما من معجزهٔ من معجزات الانبیاء و الاوصیاء الا و یظهر الله تبارک و تعالی مثلها فی ید قائمنا لاتمام الحجهٔ علی الاعداء» [۲۴] . یعنی: هیچ معجزه‌ای از معجزات انبیاء و جانشینان (آن‌ها) نیست مگر اینکه خداوند متعال همان‌ها را برای اتمام حجت دشمنان (و بستن راه بهانه‌شان) به دست قائم ما آشکار و ظاهر می‌کند. ۲- امام هفتم راجع به قدرت و سیطره مصلح حقیقی فرمود: «هو الثانی عشر یسهل الله له کل عسیر و اذل له کل صعب و اظهر له کنوز الارض و یقرب له کل بعید و یفنی به کل جبار عنید و یهلک علی یدیه کل شیطان مرید» [۲۵] . یعنی: او (امام) دوازدهمی است که خداوند هر مشکلی را برایش آسان و هر دشواری را هموار می‌نماید و برایش گنج‌های زمین را آشکار می‌کند و راه‌های دور را برای او نزدیک کرده، هر جباری را به دستش نابود می‌سازد و هر شیطان (و طاغوت) گردنکشی را به وسیله‌ی او هلاک و نابود می‌نماید. [صفحه ۲۸] ۳- امام هشتم (ع) در پاسخ ریان فرمود: «من آن امامی نیستم که زمین را بعد از اینکه به جور پر شده به عدل پر کنم چگونه باشم در حالی که ضعف و ناتوانی بدنم را می‌بینی، هر آینه قائم کسی است که هرگاه قیام کند در سن پیران و رخسار و چهره‌ی جوانان می‌باشد (یعنی بااینکه عمر طولانی دارد دارای قیافه‌ای جوان و شاداب می‌باشد) از نظر بدن و جسم آنچنان نیرومند است که هرگاه دستش را به سوی بزرگترین درخت روی زمین دراز کند (که آن را بکند) می‌کند و اگر در میان کوه‌ها فریاد نماید سنگ‌های سخت آن ریز ریز می‌شود، عصای موسی و انگشتر سلیمان با او است، او چهارمین فرزند من است که خداوند به هر ترتیبی که بخواهد در پس پرده خود او را پنهان می‌دارد سپس ظاهرش می‌فرماید تا زمین را به عدل و داد پر کند چنانچه به جور و ظلم پر شده است.» [۲۶] . گذشته از نیرو و قدرت فوق‌العاده‌ی مصلح حقیقی، بنا به فرموده‌ی ائمه علیهم‌السلام یارانش معادل نیروی چهل مرد قدرت و نیرو دارند و قلب آنان چون تکه‌های آهن و پولاد [صفحه ۲۹] می‌باشد و از شمشیر تیزتر و از شیر شجاع‌تر هستند [۲۷] . مصلح اسلام با چنین قدرت عجیبی شرک و بی‌دینی را ریشه‌کن کرده عدالت را در پهنه‌ی زمین گسترش می‌دهد چنانچه در دعای شریف ندبه می‌خوانیم که: این قاصم شوکهٔ المعتدین؟ این هادم ابنیهٔ الشرک و النفاق؟ این مبید اهل الفسوق و العصیان و الطغیان؟ این حاصد فروع الغی و الشقاق...» یعنی: کجا است درهم شکننده‌ی شوکت و شکوه تجاوزکاران؟ کجا است نابود کننده‌ی بناهای شرک و نفاق و دوروئی؟ کجا است از بین برنده‌ی افراد فاسق و گردنکش و طاغی؟ کجا است دروکننده‌ی شاخه‌های گمراهی و ضلالت...؟ دور از خطا بودن مصلح: موضوع عصمت و بی‌گناهی مصلح حقیقی از بدیهیات مذهب اثنی عشریه است که آیات قرآن کریم و

روایات متواتر اسلامی شواهدی روشن و گویا بر این عقیده می‌باشد. هیچ یک از مصلحان کذاب گذشته در مقام عصمت نبوده و از حیث حسب و نسب به پاکی و اصالت مصلح واقعی نمی‌رسند، تنها شخصیتی که از هر عیب و نقص مبرا بوده و [صفحه ۳۰] به تمام معنی معصوم و دور از خطا می‌باشد قائم حقیقی اسلام و موعود واقعی، حضرت حجهٔ بن الحسن العسکری (ع) خواهد بود. کدام مصلحی را در عالم می‌توان نشان داد که از حیث نسب و اصالت خانوادگی و طهارت مولد و پاکی دودمان به مصلح اسلام، امام عصر ارواحنا فداه، برسد؟! او شخصیتی است که خداوند متعال، رجس و پلیدی و ناپاکی را از او و دودمان طاهرش پاک و مبری فرموده در قرآن شریف آیه‌ی تطهیر را در طهارت و معصوم بودن او و اجداد گرامیش نازل نبود آنجا که در آیه‌ی ۳۳ سوره‌ی احزاب می‌فرماید:... «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا» یعنی: خدا اراده کرد که رجس و پلیدی را از شما اهل بیت ببرد و دور کند و شما را پاک و طاهر گرداند.

مصلح از دیدگاه اسلام

اشاره

موضوع و مسأله ظهور و قیام یک مصلح و یک امام از دودمان رسول اکرم (ص) در مکتب اسلام فوق‌العاده و بیش از ادیان و مکاتب دیگر مورد توجه و اهمیت قرار گرفته [صفحه ۳۱] است، از آنجا که مصلحان و مدعیان دروغین بعد از اسلام فراوان پیدا شده‌اند و برای پیشبرد هدف نامقدس خود دست به تحریف حقایق زده ادعای قائمیت و مصلح بودن کرده‌اند؛ پیامبر بزرگوار و ائمه اطهار علیهم‌السلام، تمام علامت‌ها و نشانه‌های مصلح حقیقی را به اصحاب و یاران خود فرموده آنان را به قیام و ظهور آن پیشوای راستین و آن مقتدای عالمیان بشارت داده‌اند تا راه ادعای مصلح نماها به کلی بسته شده افراد آگاه، رهبران مصنوعی را به خوبی بشناسند. این علامت‌ها و نشانه‌ها در کتب اخبار و حدیث فراوان نقل شده که دانشمندان بزرگوار شیعه در جمع‌آوری و ضبط آن‌ها کوشش فراوانی نموده‌اند، تنها دانشمند عالی قدر شیعه مرحوم علامه مجلسی گذشته از اخبار و روایات اهل البیت علیهم‌السلام راجع به مصلح حقیقی حدود ۶۰ آیه‌ی قرآن را که امامان شیعه درباره‌ی قائم واقعی تفسیر و تأویل فرموده‌اند در مجلد سیزده بحار (چاپ جدید ج ۵۱ و ۵۲) جمع‌آوری نموده است که در اینجا بنا به اختصار به بعضی از آن‌ها اشاره می‌کنیم: [صفحه ۳۲]

از قرآن کریم

۱- «و قل جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل کان زهوقا» [۲۸] . یعنی: بگو که حق آمد و باطل از میان رفت و نابود شد زیرا که باطل نابود شدنی است. امام باقر (ع) در ذیل این آیه فرمود: «اذا قام القائم علیه‌السلام ذهبت دولهٔ الباطل» [۲۹] . یعنی: هر گاه قائم (ع) قیام کند دولت و حکومت باطل از بین خواهد رفت. ۲- سوره‌ی لقمان آیه ۲۰ «و اسبغ علیکم نعمه ظاهرهٔ و باطنهٔ». یعنی: روزی‌های ظاهر و نهان را بر شما فراوان کرد. امام کاظم فرمود: «نعمت ظاهری، امام ظاهر و نعمت باطن، امام غایب می‌باشد که از چشم‌های مردم غایب است و گنج‌های زمین برایش آشکار شده و هر راه دوری برای او [صفحه ۳۳] نزدیک می‌شود» [۳۰] .

شواهدی از اخبار و روایات اسلامی

اشاره

باید دانست آن مصلح حقیقی و آن منجی واقعی که همه‌ی پیامبران و انبیاء گذشته و پیامبر بزرگوار اسلام و ائمه اطهار علیهم‌السلام، در مورد قیام و ظهور او بشارت و مژده داده‌اند، فرزند بلافصل اما عسکری و نرجس خانم و میوه‌ی بستان اسلام است

که خداوند بزرگ مکتب تشیع را بدین امتیاز بزرگ و فضیلت آسمانی بر دگر ادیان و مکاتب تفوق و برتری داده است. در اینجا برای آشنائی بیشتر و تمایز مصلح حقیقی از مصلحان دروغی، فرموده‌های پیامبر اکرم و حضرت زهرا و دوازده معصوم دیگر را به اختصار نقل می‌کنیم که برای افراد عاقل و مخالفان و گمگشتگان منصف دلیل روشن و بیان کافی باشد و آنان را از تردید و شک و گمراهی و اعتقاد [صفحه ۳۴] به مدعیان دروغین نجات دهد. و بصیرتی برای دوستان عزیز شود.

از پیامبر اکرم

۱- از رسول بزرگوار نقل شده که فرمود: «هر آینه خلفا و جانشینان و اوصیاء من و حجت‌های بعد از من از طرف خداوند دوازده نفرند: اولشان برادرم و آخرشان فرزندم می‌باشد، پرسیدند که برادرت کیست؟ فرمود علی بن ابیطالب، گفته شد فرزندت کیست؟ فرمود مهدی، آنکه زمین را به قسط و عدل پر کند آن چنانکه به جور و ستم پر شده است سوگند به خدائی که مرا به حق پیامبر گردانید اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند خداوند همان یک روز را آن قدر طولانی می‌کند تا فرزندم مهدی خروج نماید پس روح الله عیسی بن مریم نازل می‌شود و پشت سر او نماز می‌گزارد و زمین به نورش روشن می‌شود و سلطنت و حکومت او شرق و غرب را فرا می‌گیرد [۳۱] . [صفحه ۳۵] ۲- جابر بن یزید جعفی می‌گوید: از جابر عبدالله انصاری شنیدم که می‌گفت «زمانی که خداوند متعال این آیه شریفه را که می‌فرماید «ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا و رسول و صاحبان امر پیروی کنید» بر پیامبرش نازل کرد، عرض نمودم ای رسول خدا ما خدا و پیامبرش را شناختیم صاحبان امر چه کسانی هستند که خداوند اطاعت از آن‌ها را نزدیک و قرین اطاعت تو قرار داده است؟ پیامبر اکرم فرمود ایشان جانشینان من و پیشوای مسلمانان بعد از من می‌باشند اولشان علی بن ابیطالب بعد حسن بعد حسین، بعد علی بن محمد از آن پس محمد پسر علی است که در توراهٔ به باقر معروف است ای جابر به زودی تو او را درک می‌کنی هرگاه او را ملاقات کردی سلام مرا به او برسان، سپس صادق، جعفر پسر محمد، بعد موسی بن جعفر بعد علی بن موسی پس از او [صفحه ۳۶] محمد بن علی بعد علی بن محمد بعد حسن بن علی سپس هم هم اسم و هم کنیه‌ی من می‌باشد که حجت خدا در زمینش و باقیمانده‌ی (حجج) او در میان بندگانش است او پسر حسن بن علی است که خداوند به دست او مشرق‌ها و مغرب‌های زمین را فتح می‌کند (کنایه از همه عالم است) او کسی است که از دوستان و شیعیانش مدتی غایب و پنهان می‌شود، تنها کسی به امامتش ثابت می‌ماند که خداوند قلبش را به خاطر ایمان امتحان کرده باشد [۳۲] . [صفحه ۳۷]

از امیرالمؤمنین

۱- اصبغ بن نباته می‌گوید خدمت امیرالمؤمنین رسیدم او را متفکر و در اندیشه عمیق یافتم که زمین را می‌کاوید عرض کردم ای امیرمؤنان چرا در فکر و اندیشه هستی و زمین را می‌کاوی آیا بدان رغبت پیدا کردی؟ فرمود نه، سوگند به خدا هیچ گاه راجع به دنیا و متعلقاتش فکر نمی‌کنم و به آن هیچ رغبتی ندارم. اما در مورد مولود و فرزند یازدهم خود می‌اندیشیدم، او است مهدی که زمین را پر از عدل و داد می‌کند آنچنانکه به جور و ستم پر شده است» [۳۳] . ۲- امیرالمؤمنین به امام حسین فرمود: «التاسع من [صفحه ۳۸] ولدک یا حسین هو القائم بالحق، المظهر للدین و الباسط للعدل» [۳۴] . یعنی: ای حسین نهمین فرزندت قائم به حق و ظاهرکننده‌ی دین (غلبه‌دهنده‌ی آن) و گسترانندهٔ عدالت است. طبق این روایت امام عصر که نهمین فرزند حضرت سیدالشهداء می‌باشد مصلح واقعی و قائم حقیقی است.

از حضرت زهرا

۱- در لوح مقدس فاطمه که خداوند بر پیامبر نازل فرمود تمام مشخصات دوازده امام بیان شده راجع به مصلح می‌فرماید... «ابوالقاسم محمد بن الحسن، هو حجهٔ الله تعالی علی خلقه القائم» [۳۵] . یعنی: ابوالقاسم محمد پسر حسن حجت قائم خدای متعال بر خلقش می‌باشد. [صفحه ۳۹]

از امام مجتبی

۱- وقتی که عده‌ای به امام حسن اعتراض کردند که چرا با معاویه صلح کردید حضرت پس از آنکه علت‌ها و مصالح آن را بیان کرده فرمود: «آیا نمی‌دانید [۳۶] که احدی از ما نیست مگر اینکه (به ناچار) بیعت گردنکش زمان به عهده‌ی او است. جز قائم که روح الله عیسی بن مریم (ع) پشت سرش نماز می‌گزارد خداوند ولادتش را پنهان می‌نماید و وجودش را غایب می‌کند تا زمانی که خروج می‌نماید بیعت و اطاعت هیچکس به عهده‌اش نباشد او نهمین فرزند برادرم حسین است... خداوند عمرش را در زمان غیبت طولانی می‌کند سپس به قدرتش او را در قیافه و صورت جوانی کمتر از چهل سال ظاهر می‌کند. این لطف قدرت خداوند به جهت آن است که دانسته شود که او بر ایجاد هر چیزی توانا و قادر است» [۳۷] . [صفحه ۴۰]

از امام حسین

۱- قال الحسین (ع) «منا اثناعشر مهدیا اولهم امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب و آخرهم التاسع من ولدی و هو الامام القائم بالحق یحیی الله به الارض بعد موتها و یظهر به دین الحق علی الدین کله و لو کره المشرکون» [۳۸] . یعنی: از ماست دوازده مهدی که اولشان امیرمؤمنان علی بن ابیطالب و آخرشان نهمین فرزندم می‌باشد او امام قائم بر حق است که خداوند زمین را به سبب او زنده می‌کند بعد از مردنش، و به سبب او دین حق را بر همه ادیان پیروز می‌گرداند اگر چه مشرکان ناخوش بدارند.»

از امام سجاد

۱- «در قائم ما نشانه‌ها و علامت‌هائی از پیامبران می‌باشد، سنتی از پدر ما آدم دارد و نشانه‌ای از نوح و [صفحه ۴۱] ابراهیم و سنتی از موسی و روشی از عیسی و علامتی از ایوب و سنتی از محمد (که درودهای خدا بر آنان باد) امانشان او به آدم و نوح طول عمر و به ابراهیم پنهانی متولد شدن و دوری از مردم می‌باشد و نشان او به موسی بیم و غیبت و به عیسی اختلاف مردم درباره‌ی او و از ایوب گشایش بعد از سختی و گرفتاری است و از محمد (ص) قیام به شمشیر خواهد بود» [۳۹] .

از امام باقر

۱- «قائم ما به رعب و هیبت یاری می‌شود (خداوند هیبت او را در دل دشمنان می‌افکند) و به نصرت الهی کمک می‌گردد، زمین برایش در نور دیده می‌شود (در اختیارش است) [صفحه ۴۲] و گنج‌های آن برایش آشکار می‌گردد سلطنت و حکومت او مشرق و مغرب (همه عالم) را می‌گیرد. خداوند متعال به سبب او دین خود را بر همه‌ی ادیان برتری می‌دهد هر زمین خراب را ویران و آباد می‌کند زمانی که قیام می‌نماید پشتش را به کعبه می‌دهد و سیصد و سیزده نفر (اصحاب اولیه) پیش او جمع می‌شوند و اولین سخن او این آیه است «باقیمانده‌ی حجج الهی برای شما بهتر است اگر مؤمن می‌باشید» من باقیمانده‌ی خدا در زمینش هستم و خلیفه و حجت او بر شما می‌باشم [۴۰] . [صفحه ۴۳]

از امام صادق

۱- «همانا خلف صالح از فرزندانم مهدی است اسمش محمد و کنیه‌اش ابوالقاسم می‌باشد که در آخرالزمان قیام می کند... او دو اسم دارد خلف و محمد، در آخرالزمان ظاهر می‌شود و بر بالای سرش قطعه‌ی ابری است که او را از آفتاب سایه می کند هر کجا که برود آن ابر نیز می‌رود و دور می‌زند، با صدای فصیح و بلند ندا می کند که همانا این شخص مهدی است» [۴۱] .

از امام کاظم

۱- یونس پسر عبدالرحمن می گوید: بر موسی بن جعفر داخل شدم به او عرض کردم ای پسر رسول خدا آیا شما قائم حقیقی هستید؟ فرمود من قائم به حق هستم اما قائمی که زمین را از دشمنان خدا پاک می کند و به عدل پر می‌نماید آن چنانکه به جور پر شده، پنجمین فرزندم می‌باشد که [صفحه ۴۴] غیبتی طولانی دارد» [۴۲] .

از امام رضا

وقتی که شاعر مشهور، «دعبل خزاعی» قصیده‌ی معروف خود را برای حضرت رضا (ع) می‌خواند و در آن اشاره به قیام و خروج امام می کند، حضرت پس از تحسین می‌فرماید «آیا این امام را می‌شناسی؟ می گوید: شنیدم که از دودمان شما امامی قیام می‌نماید که زمین را از فساد پاک می گرداند و به عدل پر می‌نماید آنگونه که به ظلم پر شده بود، سپس امام هشتم می‌فرماید: «الامام بعدی محمد ابنی و بعد محمد ابنه علی و بعد علی ابنه الحسن و بعد الحسن ابنه الحجة القائم المنتظر فی غیبته المطاع فی ظهوره لو لم یبق من الدنیا الا یوم واحد لطول الله ذلک الیوم حتی یخرج فیملاءها عدلا کما ملئت جورا» [۴۳] . [صفحه ۴۵] یعنی: «امام بعد از من پسرم محمد است و بعد از محمد فرزندش علی و بعد از علی پسرش حسن و بعد از حسن پسرش حجت قائم است که در زمان غیبتش انتظار او را می کشند و در زمان ظهورش اطاعت از او می کنند. اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند خداوند همان را طولانی می کند تا او خروج نماید و زمین را به عدل و داد پر کند چنانچه به ظلم و ستم پر شده بود.»

از امام جواد

۱- عبدالعظیم حسنی می گوید: بر سرورم محمد بن علی علیهماالسلام (امام جواد) وارد شدم و قصد داشتم از او سؤال کنم که آیا قائم همان مهدی است یا غیر او؟ قبل از اینکه من شروع به سخن نمایم امام فرمود «ای اباالقاسم به درستی که قائم ما همان مهدی است که واجب است در زمان غیبتش در انتظار او به سر برند و در زمان ظهورش اطاعتش نمایند او سومین فرزند من است سوگند به آنکه محمد را به نبوت مبعوث فرمود و ما را به امامت مخصوص و ممتاز گردانید اگر از عمر دنیا نماند جز یک روز خداوند آن را [صفحه ۴۶] طولانی می کند تا او قیام نماید و زمین را به قسط و عدل پر می کند آن چنانکه به جور و ستم پر شده بود» [۴۴] .

از امام هادی

۱- «ان الامام بعدی الحسن و بعد الحسن ابنه القائم الذی یملاء الارض قسطا و عدلا کما ملئت جورا و ظلما» [۴۵] . یعنی: به درستی که امام بعد از من حسن و بعد از حسن فرزندش قائم است که زمین را به عدل و داد پر می کند آن چنان که به جور و ظلم پر شده است. [صفحه ۴۷]

از امام حسن عسکری

۱- از امام عسکری سؤال شد ای فرزند رسول خدا پیشوا و حجت بعد از شما کیست؟ فرمود پسرم محمد او امام و حجت بعد از من

می‌باشد، کسی که بمیرد و او را نشناسد مانند مردن جاهلیت مرده است. «یا ابن رسول الله فمن الحجهْ و الامام بعدک فقال ابنی محمد و هو الامام و الحجهْ بعدی من مات و لم یعرفه مات میتهْ جاهلیهْ» [۴۶] . ۲- احمد بن اسحاق می‌گوید: از امام عسکری شنیدم که می‌فرمود: «شکر مخصوص خدائی است که مرا از دنیا بیرون نبرد تا اینکه فرزندم را که جانشین بعد از من است به من نشان داد. او شبیه‌ترین مردم به رسول خدا از حیث خلقت و اخلاق می‌باشد خداوند متعال او را در زمان غیبتش حفظ می‌کند سپس ظاهرش می‌نماید تا زمین را به عدل و داد پر کند آن چنانکه به جور و ستم پر شده بود» «الحمدلله الذی لم یخرجنی من الدنیا حتی ارانی الخلف من بعدی اشبه الناس برسول الله صلی الله علیه و آله خلقا و خلقا یحفظه الله تعالی فی غیبته یظهره فیملاء الارض عدلا و قسطا کما ملئت جورا و ظلما» [۴۷] . [صفحه ۴۸]

از امام عصر

۱- مرحوم صدوق از شخصی به نام احمد بن اسحاق نقل می‌کند که گفت بر امام حسن عسکری علیه‌السلام وارد شدم خواستم راجع به جانشین بعد از او سؤال کنم قبل از اینکه شروع به سخن نمایم امام فرمود ای احمد بن اسحاق به درستی که خداوند متعال از موقعی که آدم علیه‌السلام را خلق کرد تا قیامت زمین را از حجتش بر مخلوق خود خالی نگذارد. به سبب حجت خود بلاء را از اهل زمین دفع نمود و به واسطه‌ی او باران را نازل کرد و به طفیل وجود حجتش زمین برکات خود را بیرون می‌فرستد. احمد می‌گوید پرسیدم ای پسر رسول خدا پس امام و خلیفه بعد از تو کیست؟ پس آن حضرت به شتاب بلند شد و داخل اطاق گشت بعد بیرون آمد در حالی که پسر سه ساله‌ای که صورتش مانند ماه شب بدر بود روی شانه‌اش قرار داشت، فرمود ای احمد اگر پیش خدا و ما عزیز و گرامی نمی‌بودی پسرم را به تو نشان نمی‌دادم او همنام و هم کنیه‌ی رسول خدا است که زمین را به عدل و داد پر می‌کند آن چنانکه به جور و ستم پر شده بود... سوگند به خدا غیبتی طولانی می‌کند که در آن مدت تنها [صفحه ۴۹] کسی که خداوند متعال اعتقاد او را نسبت به امامتش ثابت گرداند و موفق به دعاء تعجیل فرج نمود، هلاک و نابود نمی‌شود، احمد گفت به امام عرض کردم ای سید من آیا علامت و نشان دیگری است که قلبم بدان مطمئن گردد؟ پس آن پسر ماهر و با زبان عربی فصیح فرمود: «انا بقیهْ الله فی ارضه و المنتقم - من اعدائه فلا تطلب أثرا بعد عین یا احمد بن اسحاق» یعنی «من باقیمانده‌ی (حجت) خدا در زمینش هستم و انتقام گیرنده دشمنانش می‌باشم بعد از اینکه این نشان بزرگ را دیدی دنبال علامت دیگر مباش» [۴۸] . خواننده‌ی گرامی ملاحظه فرمودید که در این بیانات رسا و روشن، چگونه خصوصیات مصلح حقیقی و موعود آسمانی اسلام، به طور کامل بیان شده و پیشوایان دین برای اینکه افکار شیعیان را به قیام و ظهور آن منجی جهان بشری توجه داده، آنان را از حیرت و تردید و پیروی مصلح نماها نجات بدهند تمام مشخصات و علامات او را به طور صریح و روشن بیان فرمودند. آنچه که در این فرموده‌ها بیشتر به چشم می‌خورد و [صفحه ۵۰] مهمتر به نظر می‌رسد موضوع پر شدن زمین به عدل و داد و ریشه‌کن کردن جور و ستم به وسیله آن مصلح می‌باشد. که یکی از نشانه‌های بارز و روشن مصلح حقیقی و قائم واقعی است که تمام قیام‌کنندگان و مدعیان دروغین از آن به کلی برهنه و پیاده هستند. به این معنی که هیچ یک از آنان نتوانستند در محل کوچکی از روی زمین، عدل و داد به وجود آورده آن قسمت را به صلح و صفا و برادری پر کنند تا چه رسد به همه‌ی جهان به عکس به خوبی پیدا است که مشکلات جهان را بیشتر کرده بر حجم اختلاف و ظلم و ستم افزودند.

گفتار دانشمندان عامه درباره‌ی حضرت مهدی

۱- ابن‌صباغ مالکی در کتاب فصول المهمه از پیامبر اکرم نقل می‌کند که فرمود: «لو لم یبق من الدنیا الا یوم واحد لطول الله ذلک الیوم حی یبعث فیه رجلا من امتی و من اهل بیتی یواطی اسمه اسمی یملاء الارض قسطا و عدلا کما ملئت جورا و ظلما» [۴۹] . یعنی

«اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند خداوند [صفحه ۵۱] همان را آن قدر طولانی می‌کند تا مردی از امت و اهل بیت من را بر می‌انگیزانـد که اسم او برابر و مطابق اسم من می‌باشـد زمین را به عـدل و داد پر می‌کنـد آن چنانکه به جور وستم پر شـده بود». ۲- دانشـمند مشهور سنت شیخ سلیمان بلخی حنفی در کتاب ینابیع الموده نقل می‌کند که «یک نفر یهودی خدمت رسول اکرم رسید و چند سؤال از حضـرت نموده ایمان آورد از جمله پرسـش‌هائی که کرد راجع به جانشـینان پیامبر اکرم بود، رسول خدا فرمود اوصیاء من دوازده نفرنـد و نـام هر کـدام از آنان را پس از دیگری بیان کرد تا به نام امام حسن عسـکری رسـید و فرمود بعـد از امام حسـن عسکری فرزندش محمد است که مهدی و قائم و حجت خوانده می‌شود آن حضرت غایب می‌شود و بعد از غایب شدن قیام خواهد کرد موقعی که قیام کنـد زمین را پر از عـدل و داد می‌کنـد آن طور که پر از جور و ظلم شـده باشد خوشا به حال آن مردمی که در غیبت آن بزرگوار صبر کنند خوشا به حال آن افرادی که در محبت او استقامت نمایند آنان همان اشخاصی هستند که خدا در قرآن خود در وصـفشان فرموده: «هـدی للمتقین الذین [صـفحه ۵۲] یؤمنون بـالغیب» یعنی راهنمـای پرهیزگـارانی است که به غیب ایمان دارنـد» نیز دربـاره‌ی آنـان می‌فرمایـد «اولئـک حزب الله الا ان حزب الله هم المفلحون. آیه ۲۳ مجادله: آنان دسـته و سـپاه خدایند به درستی که سپاه خدا پیروز و رسـتگار است» [۵۰] . ۳- ابن‌خلدون جامعه‌شـناس معروف و از مورخین سـنی مذهب در کتاب مقدمه خود می‌نویسـد: «آنچه در میـان تمـام مسـلمانان و در تمـام قرون معروف بوده است این است که ناچار بایـد در آخرالزمان مردی از خانـدان پیغمبر ظهور کنـد و دین را تأییـد بخشـد و عـدل و داد را آشـکار سازد و مسـلمانان از او پیروی خواهند کرد و او را مهدی می‌نامند» [۵۱] . ۴- شـعرانی دانشـمند معروف سـنی در کتاب یواقیت و جواهر می‌نویسـد: «مهدی فرزند امام حسن عسـکری اسـت ولادت آن حضرت در شب نیمه‌ی ماه شعبان سنه‌ی ۲۵۵ هجری بوده، آن بزرگوار باقی خواهد بود تا با عیسی بن مریم [صفحه ۵۳] اجتماع کند» [۵۲] . از این چنـد نمونه نتیجه می‌گیریم که موضوع قیام و ظهور مصـلح آسـمانی مورد قبول و اعتقاد دانشـمندان اهل تسـنن بوده و آنـان در کتاب‌هـای خود راجع به موعود اسـلام مطـالبی نوشـته‌اند و حتی بعضـی از آن‌هـا کتاب‌هـائی را اختصاص به زندگانی مصلح حقیقی، حضرت مهدی ارواحنا فداه داده‌اند مانند: ۱- البیان فی اخبار صاحب الزمان تألیف حافظ گنجی شافعی ۲- القول المختصـر فی علامات المهـدی المنتظر تألیف جمال الدین مقدسـی. ۳- العرف الوردی فی اخبار المهـدی تألیف عبـدالرحمن سیوطی [۵۳] . [صفحه ۵۴]

مصلح نماها

بـا اینکـه در معرفی مصـلح حقیقی و منجی واقعی ایـن همـه روایـات و اخبـار و دلیل‌هـای روشـن و صـریح از پیـامبر اکرم و ائمه علیهم‌السلام وارد شده با تأسف باید گفت در طول تاریخ عده‌ای از هواپرستان و شهرت طلبان برای گمراهی و غافل کردن مردم، به تحریک اجانب ادعای قائمیت و مصلح بودن کرده، مسلک و مکتب بی‌اساسی را به وجود آوردند. همان طور که قبلا نوشتیم اینان هیچ یک از مشـخصات و امتیازات مصلح واقعی را نداشـته و برنامه و کار مهم او را انجام نداده‌اند. با اندک مطالعه در بیوگرافی و شرح حال این گروه و تأمل در انگیزه و عامل ادعای دروغین اینان معلوم می‌شود که عـدم اطلاع بعضـی از مردم و توجه نداشـتن به اصل هدف و منظور این مدعیان، سبب گرمی بازار تبلیغ و ترویجشان شده موجب ضلالت و گمراهی گروهی گشته است. به عنوان مثال باب شیرازی را می‌شود نام برد که در سال ۱۲۶۰ هجری قمری به دروغ ادعای بابیت نمود و خود را از نوکران و غلامان مصلح حقیقی معرفی کرد که به بعضی از گفته‌های او اشاره می‌شود. [صفحه ۵۵]

باب کیست؟

آقـای میرزا علی محمـد شـیرازی معروف به بـاب در اول محرم سال ۱۲۳۵ ه ق در شـیراز از زنی به نـام فـاطمه بیگم به دنیا آمـد،

پـدرش مردی بود به نـام میرزا محمـد رضـا بزاز. وی در کودکی پـدرش را از دست داد و تحت سـرپرستی و کفالت دائی خود قرار گرفت. دائیش او را به مکتب خانه فرسـتاد و پیش شخصی به نام شیخ عابد مقدمات زبان فارسی و قرائت قرآن و حساب را به مدت پنج سال آموخت، چون معلمش شـیخی مسلک یعنی پیرو شیخ احمد احسائی بود، عقیده شیخیگری در ذهن باب به وجود آمد و او را نسـبت به شـیخ احمد علاقمند کرد. ممکن است آقایان بهائیان بگویند که آقای باب درس ناخوانده و امی بود اما مدرک صحیح و محکمی در دسـت است که ایشـان به مکتب رفته و درس خواندنـد از جمله ۱- مبلغ معروف بهائی آقای اشـراق خاوری در کتاب تلخیص تاریـخ نبیل (مطالع الانوار) ص ۶۳ و ۶۴ می‌نویسـد: «خال (دائی) حضـرت باب ایشان را برای درس خواندن نزد شـیخ عابد بردند...» [صـفحه ۵۶] ۲- همین مبلغ در شـماره ۱۵ سال یکم مجله آهنگ بـدیع ص ۵ از ابوالفضل گلپایگانی مبلغ مشـهور بهائیت نقل می‌کند که گفت «چون باب به سن هفت و هشت بالغ شد در نزدیکی از مشایخ شـیراز که به شـیخ معلم معروف و مردی فاضل و موقر بود به تحصـیل قرائت و کتابت فارسـی اشـتغال نمود و در این فن به قدری که تجار ایران غالبا به آن اکتفا نمایند فرا گرفت». ۳- خود باب در ص ۲۵ کتاب بیان عربی خویش به یاد ایام کودکی خود افتاده می‌نویسد قل ان یا محمد معلمی فلا تضربنی... و اذا اردت ضـربا فلاـ تتجـاوز عن الخمس و لا تضـرب علی اللحم». یعنی بگو ای محمـد آموزگار من مرا کتک مزن چون خواستی بزنی بیشتر از پنـج ضـربه و بر گوشت بدنم مزن. ۴- احمـد یزدانی مبلغ مشـهور بهائی در کتاب خود (نظر اجمالی در دیانت بهائی) چاپ ۱۳۲۸ شمسی ص ۹ می‌نویسد «آقای سید علی محمد در شب اول محرم ۱۲۳۵ ه ق... در شیراز متولد و پس از مختصر تحصیل سواد فارسـی و [صفحه ۵۷] مقـدمات در یکی از مکـاتب شـیراز...» در بالا گفتیم چون باب در مکتب شـیخ عابـد شـیخی مسـلک درس گرفت عقیـده شـیخیه در او به وجود آمـده لـذا بدون منطق و دلیل در سال ۱۲۶۰ ه ق به تحریـک سـفیر روس [۵۴] و علماء شیخی ادعای بابیت امام زمان علیه‌السـلام را نمود در حالی که در زمان غیبت کبری کسـی چنین ادعائی را داشـته باشـد بنا به توقیع مصـلح اسـلام حضـرت ولی عصـر دروغگو و کذاب است چنانچه امام عصر در نامه و دستخط شریفش، به نماینده‌ی چهارم خود نوشت که ترجمه‌ی آن چنین است «بسم الله الرحمن الرحیم ای علی بن محمـد سـمری خداونـد برادران دینی تـو را در مصـیبتت اجر و پـاداش بزرگ عطا فرماید به درستی که تو در فاصـله شـش روز وفات می‌کنی کار خود را منظم نما و آماده باش و به احدی وصـیت نیابت ننما که (بعـد از وفاتت) جانشین تو شود سپس هر آینه غیبت تامه (پنهانی کامل) آغاز گردیـد و ظهوری جز به اجازه خـدا نخواهد بود و آن هم به دنبـال گـذشت زمانی دراز و سـختی قلب‌ها و پر شـدن [صـفحه ۵۸] زمین از سـتم و بیـداد است و هر آینه کسـانی خواهنـد آمد که برای شـیعیان من دعوی مشاهده [۵۵] (نیابت خاصه) نماینـد همانا آگاه باشیـد هر کس که چنین ادعا کنـد پیش از آنکه سـفیانی خروج کرده و صـیحه‌ی آسـمانی آمـده باشـد او دروغگـو و مفـتری است و نیرو و قـدرتی جز بخـواست خـدای بزرگ نمی‌باشد [۵۶] . خواننـده‌ی گرامی برای اینکه توجه فرمائی، آقای باب شـیرازی مـدت زیادی خود را باب و نوکر مصـلح آسـمانی، حضرت حجت علیه‌السلام، می‌دانست به چند نمونه‌ی زیر دقت نما: ۱- کتاب تفسیر سوره‌ی یوسف (خطی) تألیف باب ذیل آیه ۵۴ سوره‌ی یوسف می‌نویسد: «یا ایها الملاء انا باب امامکم المنتظر»: یعنی ای مردم من باب امام منتظر شما هستم. ۲- هم چنین در همین کتاب زیر آیه ۷۴ می‌نویسد: [صفحه ۵۹] «قل ان الله فاطر السموات و الارض من عنـد حجهٔ القائم المنتظر و انه هو الحق و انی عبد من عباده». یعنی: بگو که هر آینه خـدا آفریننده آسـمان‌ها و زمین است از پیش حجت قائم منتظر به درستی که او حق می‌باشد و هر آینه من بنـده‌ای از بنـدگانش می‌باشم. ممکن است کسـی بگوید منظور ایشان از قائم منتظر شـخص دیگری است در حالی که خود ایشـان در کتـاب تفسیر سوره‌ی بقره ذیـل آیه «الـذین یؤمنون بالغیب: یعنی کسانی که به غیب ایمان دارنـد» بعـد از آوردن نام‌های مقـدس دوازده امام راجع (ص ۳۵) به حضـرت ولی عصـر می‌نویسـد: «و محل تفصـیل هـذا الغیب هو القائم محمد بن الحسن» یعنی جای شـرح و توضـیح این غیب همانا قائم محمـد پسـر حسن می‌باشد [۵۷] . اتفاقـا آقـای عبـدالبهاء امام اول بهائیان به این موضوع [صفحه ۶۰] در کتاب مقاله‌ی شخصـی سیاح نوشته‌ی خودش ص ۳ و ۴ اعتراف می‌کنـد و می‌گوید «آغاز گفتار نمود و مقام بابیت

اظهار (منظور باب شیرازی است) و از کلمه‌ی بابیت مراد او چنان بود که من واسطه‌ی فیوضات از شخص بزرگواری هستم که هنوز در پس پرده‌ی عزت است و دارنده‌ی کمالات بی‌حصر و حد به اراده‌ی او متحرکم و به حبل ولایش متمسک و در نخستین کتابی که در تفسیر سوره‌ی یوسف مرقوم نموده در جمیع مواضع آن خطاب‌هائی به آن شخص غایب که از او مستفید و مستفیض بوده و استمداد در تمهید مبادی خویش جسته و تمنای فدای جان در سبیل محبتش نموده از جمله این عبارت است: «یا بقیهٔ الله قد فدیت بکلی لک و رضیت السب فی سبیلک و ما تمنیت الا القتل فی محبتک». یعنی: ای باقیمانده‌ی خدا من خود را به کلی فدای تو می‌کنم و راضی هستم در راهت ناسزا بشنوم و آرزوئی جز کشته شدن در راه تو را ندارم. باید دانست که بقیهٔ الله در این گفتار باب از القاب مصلح حقیقی، امام زمان است چنانچه فاضل مازندرانی مبلغ مشهور بهائی در ص ۶۸ کتاب اسرار الاثار خود ج ۲ می‌نویسد: [صفحه ۶۱] «و لذا بقیهٔ الله از القاب امام دوازدهم اثنی عشریه قرار گرفت و در آثار اولیه نقطهٔ البیان (منظور باب شیرازی است) آمده تکرر ذکر یافت قوله «اننی انا عبد من بقیهٔ الله» یعنی هر آینه من بنده‌ای از بقیهٔ الله هستم. آقای باب با اینکه چند مدت خود را باب و عبد امام زمان می‌دانست یک دفعه تغییر عقیده داده دست از اعتقاد سابق کشید چنانچه در ص ۱۳۸ و ۱۳۹ کتاب تلخیص و تاریخ قبیل زرندی تألیف اشراق خاوری، از ایشان نقل شده که گفت «من نه وکیل قائم موعود هستم و نه واسطه بین امام و غایب و مردم هستم. ص ۱۴۱: لعنت خدا بر کسی که مرا وکیل اما غایب بداند لعنت خدا بر کسی که مرا باب امام بداند» جالب‌تر اینکه در کتاب اسرار الاثار خصوص تألیف فاضل مازندرانی مبلغ معروف بهائی صفحات ۱۸۰ و ۱۸۱ و ۱۸۲ مطالبی از باب شیرازی نقل شده که برای بیداری دوستان بهائی و توجه آنان به اشتباه عقیده خود بعضی از آن ترجمه می شود (دقت کنید!): «هر آینه بعضی از مردم بر من کلمه‌ی بابیه منصوصه و ادعای رؤیت (امام دوازدهم) را افترا زدند خدا آنان را به آنچه افترا بستند بکشد برای بقیهٔ الله صاحب [صفحه ۶۲] الزمان بعد از چهار باب، باب مخصوص و نایب رسمی نیست، کسی که بدون دلیل ادعای دیدن امام را بنماید بر همه واجب است او را تکذیب کنند و بکشند... خدایا شهادت می‌دهم که حلال (پیامبر اسلام) تا روز قیامت حلال است و شریعتش نسخ نشده و طریقه‌اش تبدیل نیافته کسی که یک حرف (به احکام اسلام و قرآن) زیاد یا کم کند از هم اکنون از دین و اطاعت تو خارج شده است و وحی به آن طرقی که بر او نازل شد از پیش تو بعد از او (پس از رحلت پیامبر اکرم) منقطع گشته پایان یافت و کتابش بر همه‌ی کتاب‌ها سیطره و غلبه دارد و حجت زنده‌ی تو که وجودش موجب بقاء و حیات همه مخلوقات شده است... خدایا در هنگام غیبت او را حفظ کن و ایام (ظهورش را) نزدیک فرما و اشهد ان الیوم کان حجتک محمد بن الحسن صلواتک علیه و علی من اتبعه» یعنی شهادت می‌دهم که امروز حجت و نماینده‌ی تو محمد پسر حسن است که درودهای تو بر او و بر کسی که پیروی او بکند، باد. خواننده‌ی محترم! این اعترافات باب راجع به وجود مصلح حقیقی امام عصر، دلیل روشن و خوبی است بر اینکه [صفحه ۶۳] تحری حقیقت نمائی و اگر در راه خطا می‌باشی فکر و اندیشه‌ات را به کار اندازی تا از طریق و راه نادرست باز گردی و به دامن اسلام عزیز پناهنده شوی و دست از تعصب بی‌جا و اعتقادات بی‌اساس بکشی و به مصلح حقیقی حضرت حجهٔ بن الحسن العسکری ایمان بیاوری که خداوند متعال می‌فرماید «کسانی که در راه هدایت شدن و معبود واقعی پیدا کردن مجاهده و کوشش نمایند راه‌های سعادت را به روی آنان می گشائیم و آن‌ها را هدایت می‌نمائیم» [۵۸] . آیا عقل و منطق انسان اندیشمند و منصف می‌پذیرد که این مصلح‌نما را به جای مصلح واقعی قبول کند و او را همان شخصیتی بداند که در سابق نشانه‌ها و خصوصیاتش را ملاحظه کردیم؟ آیا باب شیرازی همان امامی است که پیامبران در انتظارش به سر می‌بردند و مشتاق لقایش بودند؟ آیا او همان مصلحی است که باید جهان را به عدل و داد پر کند؟ آیا ایشان توانستند گوشه‌ای از روی زمین را آباد نموده به عدل و داد پر نماید؟ آیا او همان مصلحی است که روی زمین را به نور علم و توحید روشن کرده از ظلم و ستم [صفحه ۶۴] پاک نموده است؟ نه هرگز. آن مصلحی که دارای قدرت فراوان و علم زیاد و کمال عالی و نیروی عصمت است، همین باب شیرازی است؟! قدرت او کجا را گرفت؟ دانش و علم او چقدر بود؟ به قول نویسندگان و مبلغین بهائی او مقدمات سواد فارسی را

فرا گرفت و تا سیوطی و حاشیه [۵۹] بیشتر نخواند [۶۰] ، مسلم که از نیروی عصمت برخوردار نبوده و معصومانه زندگی نکرده است و ادعای دروغین او دلیلی بزرگ بر منحرف بودن و عصیان او می‌باشد. این جناب پس از مدتی که محیط را مناسب و مساعد دید ادعا کرد که من همان قائم اسلام و امام زمان هستم چنانچه به یارانش گفت: «انا القائم الحق الذی انتم بظهوره توعدون [۶۱] یعنی من همان قائم بر حق هستم که شما به ظهورش [صفحه ۶۵] منتظر بودید. اتفاقا با شنیدن این ادعای دروغ بعضی از بزرگان بابیه از جمله ملاـ عبدالخالق یزدی دست از عقیده‌ی به او کشید و بنا به نوشته‌ی میرزا حسینعلی بهاء [۶۲] «نامبرده بعد از قرائت ادعای قائمیت باب صیحه زد و به اعراض تام قیام نمود و جمعی در ارض طاء (طهران) به سبب او اعراض نمودند». از مطالعه در آثار بابیه و بهائیه نتیجه می گیریم که باب شیرازی مدتی ادعای بابیت و نوکری امام زمان حقیقی را نموده سپس ادعای قائمیت و مهدویت داشته از آن به بعد بنا به نوشته‌ی آقای عباس عبدالبهاء در کتاب مفاوضات ص ۱۲۴ و آقای شوقی افندی در ص ۱۱ قسمت دوم کتاب قرن بدیع صاحب رسالت و شرع جدید شده‌اند و بعد از چندی هم پا را فراتر نهاده ادعای خدائی نمودند و گفته‌اند «هر آینه علی محمد ذات خدا و وجود او است [۶۳] و وقتی که در مجلس ولیعهد قاجار ناصر الدین میرزا تنبیه شدند، استغفار و توبه نموده دست از همه ادعاهای خود کشیدند چنانچه در کتاب کشف الغطاء تألیف مبلغ بزرگ بهائی ابوالفضل گلپایگانی [صفحه ۶۶] ص ۲۰۴ و ۲۰۵ توبه نامه ایشان نقل شده که از جمله گفت «استغفر الله ربی و اتوب الیه من ان ینسب الی امر «یعنی از پروردگارم استغفار می‌جویم و به سوی او از آنچه که به من نسبت داده شد توبه می کنم» و مدعی نیابت خاصه حضرت حجت (ع) را محض ادعا مبطل است و این بنده را چنین ادعائی نبوده و نه ادعای دیگر». بعد از باب شیرازی آقای میرزا حسینعلی ملقب به بهاء الله که اصلا از تاکر نور مازندران بوده‌اند زمام امر بابیان و بهائیان را به دست گرفته، فرقه‌ی گم شده و گمراه بابیه را رهبری نمود. [صفحه ۶۷]

بهاء الله یا مصلح مصنوعی

میرزا حسینعلی نوری معروف به بهاء الدین در محرم سال ۱۲۳۳ ه ق در تهران به دنیا آمده در ۱۳۰۹ در گذشت. پدرش میرزا عباس معروف به میرزا بزرگ از مستوفیان زمان محمد شاه قاجار به شمار می‌رفت، ایشان نیز مانند باب به مکتب خصوصی رفته درس می‌خواند چنانچه محمد علی فیضی مبلغ بهائی در ص ۱۸ کتاب بهاء الله می‌نویسد «از قرار معلوم فقط مقدمات خواندن و نوشتن را نزد پدر و بستگان خود آموخته در مدرسه و مکتبی مطابق معمول آن زمان داخل نشده». همچنین دکتر اسلمنت در ص ۲۸ کتاب بهاء الله و عصر جدید می گوید: «به مدارس و دبستانی داخل نشدند فقط [صفحه ۶۸] در منزل جزئی تحصیل نمودند». ایشان پس از اعدام شدن باب با برادرش میرزا یحیی صبح ازل بر سر رهبری مردم اختلاف بزرگ داشت و خلاصه پس از کوشش‌ها و پشتیبانی دولت روس و سفیرش پرنس دالگورکی [۶۴] بر برادرش پیشی جسته رهبر عده‌ای شد که بعدها بهائی معروف شدند [۶۵] . آقای بهاء الله نیز ادعاهای گوناگونی در مدت رهبری خود داشته‌اند که علاقمندان می‌توانند به کتاب‌های مربوط در این مورد مراجعه کنند «از جمله کتاب راه راست تألیف آقای مسیح الله رحمانی» مبلغ مشرف شده به اسلام. میرزا حسینعلی نیز مانند باب شیرازی به قائمیت مصلح اسلام حضرت مهدی اعتراف داشتند که در اینجا به بعضی از آن اشاره می‌شود: ۱- ایشان در کتاب ایقان خود ص ۱۹۰ می‌نویسد: [صفحه ۶۹] چنانچه در کافی در حدیث جابر در لوح فاطمه در وصف قائم می‌فرماید: «علیه کمال موسی و بهاء عیسی و صبر ایوب» [۶۶] . یعنی برای او است کمال موسی و روشنی عیسی و صبر و بردباری ایوب. ۲- میرزا حسینعلی در کتاب آثار قلم اعلا ج ۳ ص ۴۱ راجع به مصلح آسمانی حضرت قائم مطلبی می‌نویسد که ترجمه آن چنین است: «آن چه را که راجع به (حضرت) محمد بن الحسن که روح‌ها فدایش باد می‌شنوی حق است و در آن شکی نیست به درستی که همه‌ی ما به وجود او یقین و ایمان داریم» [۶۷] . [صفحه ۷۰] پس ای رفیق عزیز اگر در این مسلک به سر می‌بری در این نوشته دقت کن و با مراجعه به کتب

اصلی خود که به مطالب بعضی از آن‌ها اشاره شد جستجوی حقیقت را شعار گردان و دور از تعصب به تحقیق و تفکر خود ادامه بده، تا حقیقت اسلام بر تو روشن گشته با اطمینان خاطر و فکری آسوده به مصلح واقعی که حضرت محمد بن الحسن می‌باشد، ایمان بیاور. [صفحه ۷۱]

نیمه شعبان میلاد مصلح حقیقی

روزها و شب‌هائی در اسلام شرافت و بزرگی فراوان دارند که در ایام سال بدان عظمت، مشهور و معروف هستند، عظمت و بزرگی آن‌ها به واسطه عظمت روحی و والا بودن مقام شخصیت‌هائی است که در آن ساعات متولد شده‌اند و در طول حیات و زندگی خود سعادت‌ها و رستگاری‌ها و درستی‌ها و همه صفات پسندیده و کمال را به وجود آورده، آفریده‌اند. وقتی که یکی از این روزها یا شب‌ها فرا می‌رسد، نشاط و سرور معنوی فوق‌العاده‌ای در انسان‌های مسؤول و آگاه ایجاد شده، سرور و خوشحالی فراوانی در دل آنان پیدا می‌شود که در دگر اوقات سال کمتر محسوس می‌باشد. یکی از این اوقات شریفه و فرخنده شب و روز نیمه [صفحه ۷۲] شعبان هر سال است که یادآور میلاد مسعود و نورانی مصلح حقیقی، امام عصر ارواحنا فداه می‌باشد. در سحر نورانی و لطیف و مصفای نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری بود که این شخصیت بزرگوار و این پناهگاه انسان‌های مستضعف و این آخرین حجت و سفیر الهی در دامان مقدس و مطهر نرجس خانم ظاهر گشت و غنچه‌ی لبانش در آغوش پدرش امام عسکری به تلاوت آیه‌ی «و نرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمهٔ و نجعلهم الوارثین [۶۸] شکفته شد، پیشانی نورانی روی خاک به سجده نهاد و به قیام و ظهور خود و پر کردن زمین به عدل و داد اشاره کرده آن را از پیشگاه مقدس خداوند قادر مسئلت نمود: «اللهم انجزلی وعدی و اتمم لی امری و ثبت و طأتی و املاء الارض بی عدلا و قسطا [۶۹] . [صفحه ۷۳]

شواهدی راجع به میلاد مصلح

در کتب حدیث و روایت شیعه و سنی دلیل‌های فراوانی راجع به تولد مصلح آسمانی آمده است که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود: از امام عسکری (ع) ۱- محمد بن علی بن حمزه گوید: از حضرت عسکری شنیدم که می‌فرمود «ولی خدا و حجت او بر بندگان و خلیفه‌ی من در شب نیمه‌ی شعبان سال ۲۵۵ به هنگام سپیده دم به دنیا آمد» [۷۰] . ۲- شیخ صدوق در کتاب کمال الدین خود از احمد بن حسن قمی روایت می‌کند که گفت «از مولای ما ابومحمد [صفحه ۷۴] حسن عسکری نامه‌ای به جدم رسید که به خط مبارک در آن مرقوم نموده بود «فرزندی برایم زاده شد پس خبرش از مردم پوشیده باشد که آن را فقط به خویشان نزدیک یا دوستان خاص خود اعلام خواهیم کرد» [۷۱] . از اهل سنت: ۱- ابن‌صباغ مالکی در فصل دوازدهم کتاب خود فصول المهمه می‌نویسد «ابوالقاسم محمد بن الحسن در سامرا در نیمه شعبان سال ۲۵۵ ه ق به دنیا آمد.» ۲- شیخ سلیمان بلخی حنفی معروف به خواجه کلان در ص ۴۵۲ کتاب ینابیع الموده می‌نویسد «پس خبر مسلم و حتمی نزد معتبرترین وثقات، این است که ولادت قائم در شب پانزدهم شعبان سال ۲۵۵ در شهر سامراء واقع گردید.» از باب شیرازی: ۱- فاضل مازندرانی در ص ۱۱ کتاب اسرار الاثار قسمت اول از کتابی به نام تفسیر سوره بقره که منسوب به باب است فرازی به این ترتیب می‌آورد: «لقد قال الحسن ابوالحجهٔ فی تفسیر لهذه الایه» یعنی هر آینه امام حسن پدر حضرت حجت در تفسیرش در این آیه چنین فرمود.. [صفحه ۷۵] ۲- در ذیل آیه‌ی و لله المشرق و المغرب می‌نویسد «و المغرب القائم محمد بن الحسن صاحب العصر: یعنی و مراد از مغرب حضرت قائم محمد بن حسن صاحب زمان است. ۳- در کتاب تفسیر سوره‌ی کوثر که منسوب به باب است صفحه‌ی ۵۶ مطلبی آمده که ترجمه آن چنین است «هیچ تردیدی در وجود امام قائم غایب مستور نیست و همانا مسلمانانی که او را انکار کنند گفتارشان از درجه‌ی اعتبار ساقط است و اما مسلمانان مؤمن که شیعه دوازده امامی هستند نزدشان ولادت قائم ثابت شده است [۷۲] این سه مدرک زنده بودن امام

عصر علیه‌السلام و تولد او را بیان می‌کند. آری جهان در سحرگاه درخشان و نورانی پانزدهم شعبان سال ۲۵۵ طراوت روح انگیزی یافت و مشام جان جهانیان از بوی نسیم حیات بخش رحمانی معطر گشت. در آغوش نرجس بوستان اسلام غنچه‌ی مهدوی شکفته شد در حالی که لبخند ملکوتی بر لب داشت شهر سامرا از سرخی [صفحه ۷۶] عذارش جاذبیت خاصی گرفت سروش غیبی ندا کرد که «جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل کان زهوقا» حق آمد و باطل نابود شد چون باطل نابود شدنی است. در این شب و روز شیعیان و مشتاقان ظهورش با وجد و سرور وصف ناشدنی به پا می‌خیزند و جهت عرض ارادت به پیشگاه مقدسش آنچنان جشن و چراغانی بر پا می‌کنند که در دگر روزهای سال نظیر آن دیده نمی‌شود، و با زبان دل می‌گویند که ای قلب جهان و ای چشمه‌ی حیات و زندگی میلاد با سعادت تو را بزرگ می‌داریم و همگان را به قیام تو دعوت می‌کنیم و عشق و محبت و انتظار ظهور و قیام تو را در دل‌های خود و مشتاقان تو جا می‌دهیم و همه چشم به راه تو دوخته‌ایم تا کی جمال ملکوتی خود را آشکارا به جهانیان و ما بنمایانی و شام فراق و هجران ما را به روز روشن وصال مبدل سازی، وصال، با تو، وصال با حق و عدالت، صلح و صفا و برادری است که ما در موقعیت کنونی سخت بدان نیازمندیم. روز تولد تو ای مصلح، ما را به یاد روز قیام شکوهمند و سعادت آفرینت می‌اندازد و صبح با صفای نیمه شعبان و سحر نورانی آن در هر سال، صفا و یک رنگی زمان ظهورت را در [صفحه ۷۷] دل‌ها و خاطره‌ها زنده می‌کند و به روح و جان ما منتظران دم مهدوی تو را می‌دمد که نه تنها جسم و کالبد ما به نفس حیات بخش تو محتاج است بلکه روح و روان ما نیز به انفاس قدسیه‌ات نیازمند است. کدام روزی در ایام سال می‌تواند هم اکنون و با وضع کنونی با میلاد فرخنده‌ی تو برابری می‌کند، روز مبعث نه، روز هفدهم ربیع نه، روز سیزده رجب نه، روز تولد تو روز دیگر است! و نیمه‌ی شعبان چیز دیگر، که قلم را یارای شرح عظمت و صفای آن نیست، آنچه در دل مشتاقان تو و این کمینه غلام تو از بزرگی و جلال و شکوه روز میلادت هست به قلم نمی‌آید که قلم بیگانه است و چگونه می‌شود اشتیاق‌ها و سوزهای روز تولدت را به قلم آورد و به روی صفحه‌ی کاغذ نگاشت. در کدام روز سال این چنین شور و هیجانی در دل علاقمندان چون شب و روز نورانی نیمه شعبان به وجود می‌آید؟ و کدام مجلس جشن و سروری را در تمام سال به عظمت و شکوه جشن پانزدهم شعبان می‌توان نشان داد؟ این خود حاکی است که جذبه‌ی ولایت امام عصر که پیشوای عالم است [صفحه ۷۸] همه‌ی مشتاقان را به طرف خود می‌کشد و لطف و عنایت غیبی او، نشاط و شعفی در دل منتظران ایجاد می‌کند، تا روز ولادتش را بزرگ دارند و عالم را برای قیام و ظهورش آماده کنند.

انتظار مصلح

می‌دانیم که این مصلح حقیقی در سال ۲۶۰ ه ق بنا به علت‌ها و مصالحی به امر خداوند منان غیبت اختیار فرمود و هم چون آفتاب درخشانی در پس پرده‌ی غیب [۷۳] پرتو افشانی می‌کند و هم اکنون عالم و عالمیان در انتظار او به سر می‌برند و دیده به راه او دوخته‌اند، که کی ظهور کند و شمس جمالش عالم تاریک و ظلمانی را بی‌واسطه و بی‌مانع روشن نماید: جهان است در انتظار قدومش به راهش بود دوخته چشم کیهان -چند شاهد راجع به غیبت مصلح آسمانی ۱- یحیی بن ابی‌القاسم می‌گوید به امام صادق عرض کردم معنی غیب در آیه شریفه‌ی «الذین یؤمنون بالغیب» چیست؟ [صفحه ۷۹] امام فرمود: «الغیب فهو الحجهٔ الغائب [۷۴] «یعنی: غیب همانا حجت غایب می‌باشد. ۲- امام باقر فرمود: «لقآئم آل محمد غیبتان احدیهما اطول من الاخری» یعنی: برای قائم آل محمد دو غیبت است که یکی از دیگری طولانی‌تر می‌باشد. ۳- حافظ نادرهٔ الفلک نطنزی از دانشمندان سنی در کتاب الیقین خود نقل می‌کند که پیامبر اکرم به جابر فرمود: «سوگند به پروردگارم (برای قائم ما غیبتی خواهد بود) که خداوند مؤمنین را بدان می‌آزماید و کافران را نابود می‌کند» [۷۵] . ۴- سید باب شیرازی هم در ص ۶ کتاب صحیفه عدلیه‌ی خود می‌نویسد «و بعد از آنکه اهل دین به اول سنه‌ی بلوغ رسیده غیبت از برای حجت خود امر فرموده و خلایق را حکم به اتباع حجت خود فرموده». همان طور

که ملاحظه فرمودید امام عصر مصلح حقیقی دو غیبت اختیار فرمود که اولی را غیبت کوچکتر (صغری) و [صفحه ۸۰] دومی را غیبت بزرگتر (کبری) می‌نامند مدت غیبت صغری ۶۹ سال بوده است (از سال ۲۶۰ تا سال ۳۲۹(که در این مدت چهار نفر از شیعیان خاص آن حضرت که پرهیزگار و مورد اعتماد بوده‌اند به ترتیب به نیابت خاص آن بزرگوار منصوب شده و عبارت بودند از ۱- عثمان بن سعید ۲- محمد بن عثمان ۳- حسین بن روح نوبختی ۴- علی بن محمد سمری. چنانچه قبلا نوشته شد امام زمان شش روز قبل از وفات نایب چهارم نوشت که غیبت کبری (پنهانی کامل) شروع شده دیگر برای من نایب خاصی نخواهد بود و هر که ادعای نیابت خصوصی کند دروغگو می‌باشد. با این ترتیب امام عصر (ع) به امر خداوند بزرگ از سال ۳۲۹ غیبت بزرگ خود را آغاز کرده چون آفتاب درخشانی از پس پرده‌ی غیبت جهان را روشن می‌فرماید و تا روز ظهورش که خدا بدان آگاه می‌باشد به طور پنهان عالم را زعامت نموده فیض خود را به انسانها می‌رساند. خواست خداوند حکیم این بود که در طول غیبت، مکتب تربیتی و پرورشی انتظار تأسیس شود، تا گروهی از مشتاقان و منتظران در این مکتب، درس عشق و اشتیاق و [صفحه ۸۱] سوز و هجران و صبر و تحمل فرا گیرند و هر لحظه و هر ساعت در عشق آن محبوب آفرینش و آن امام بگذارید و خواهان ظهور و قیامش باشند. مکتب انسان‌ساز، انتظار، افراد صالح و شایسته تربیت می‌کند و انسانهای نمونه و سمبل خوبی‌ها و درستی‌ها پرورش می‌دهد، تا یاران و اصحاب مصلح حقیقی در ایام غیبتش و فداکاران و شهدای رکابش در ایام ظهور شوند. چون که منتظر حقیقی باید خود صالح و شایسته باشد تا انتظارش از امام مصلح مصداق درست پیدا کند. «پس انتظار برای به وجود آوردن صلاح، شایستگی، لیاقت، اصلاحات، کار، کوشش، حرکت و امثال آن است، انتظار حالت دینامیک جامعه است، نه خاموش نشستن و صبر و حوصله و انتظار کس دیگر که بیاید و کارها را اصلاح کند. ما باید همواره آماده باشیم و چون نمی‌دانیم که حضرت مهدی کی می‌آید؟ و این انتظار را پایان کی است؟ باید هر لحظه در این آمادگی باشیم، مردم سرزمین‌های اسلام باید چون ارتشی باشند که فرمانده‌ی کل قوا چند روزی سفر کرده و گفته است، همین که رسیدم فرمان پیشروی می‌دهم و [صفحه ۸۲] نمی‌گوید کی می‌آیم. امام خود، در پیام به شیخ مفید فرموده است اگر روش ناهنجار شیعه نبود به سعادت ملاقات ما نائل می‌شدند» [۷۶] . آنچه که بیشتر در دوران تربیتی انتظار احساس می‌شود و در دل انسانهای منتظر پیدا می‌گردد آن گونه بودن که او بخواهد و بپسندد تا موجب زیارت کردن جمال ملکوتی و دل آرایش و تماشای قامت و قیافه‌ی نورانیش گردد که مظهر حسن و زیبائی و کمال و صفا است. امید و آرزوی ملاقاتش در دل مشتاقان روز به روز زنده می‌شود و صبر و قرار را از آنان گرفته و مجنون و شیفته‌ی کویش می‌سازد، آتش عشق به او در درون دل گاه شعله می‌کشد و در سر شور و هیجانی ایجاد می‌نماید و می‌خواهد انسان را پروانه شمع جمالش سازد، که: ای توتیای دیده‌ی ما خاک پای تو وی کنج خلوت دل عالم سرای تو هر مو به تن زبان شده تا از تو دم زند چون نی پر است هر رگ ما از نوای تو [صفحه ۸۳] گاهی بر آی از دل و در دیده جلوه کن ای صد هزار دیده و دل مبتلای تو این نیمه جان که مانده ز تاراج غم بجای یکبار رو نما که بود رو نمای تو سوزد در انجمن دل پروانه جان شمع بر حال من که سوخته‌ام در هوای تو

احادیث راجع به فضیلت انتظار

۱- رسول اکرم فرمود «افضل جهاد امتی انتظار الفرج [۷۷] » یعنی با فضیلت‌ترین جهاد امت من انتظار فرج است (منتظر بودن مصلح برای رفع مشکلات). ۲- مولای متقیان در فضیلت انتظار و شخص منتظر فرمود «المنتظر لامرنا کالمتشحط بدمه فی سبیل الله [۷۸] «یعنی منتظر امر ما (قیام مصلح منظور است) همانند کسی است که در راه حق شهید شده در خون خود بغلطد. ۳- امام سجاد فرمود «من ثبت علی موالاتنا فی غیبهٔ [صفحه ۸۴] قائمنا اعطاه الله عزوجل اجر الف شهید من شهدآء بدر و احد» [۷۹] . یعنی کسی که: بر اعتقاد بر امامت (و دوستی حقیقی) ما در زمان غیبت قائم ما ثابت بماند خداوند متعال به او اجر هزار شهید چون شهیدان بدر و احد

عطا می کنـد. ۴- بـاز امـام چهـارم فرمود «آنـان که در زمـان غیبت (قـائم) به امـامتش معتقـد بوده منتظر ظهورش می‌باشـند برتر و با فضیلت‌تر از مردم هر زمـانی هسـتند... خداونـد آنان را هماننـد، مجاهـدین زمان رسول خـدا قرار داده است» [۸۰] . ۵- امام صادق فرمود: «کسـی که دوست دارد از یاران قائم باشـد باید در حال انتظار به سـر برد و عمل نیک و اخلاق پسـندیده داشـته باشد در این صورت او را منتظر خواهنـد گفت پس اگر بـا چنین حالتی بمیرد و امام عصـر بعـد از مردنش قیام کنـد برایش پاداش و ثواب کسـی است که قائم را درک کرده باشد پس کوشـش کنید و منتظر باشـید که این نعمت عظمی گوارایتان باد» [۸۱] . [صفحه ۸۵] ۶- هم چنین امـام شـشم به عمـار سابـاطی فرمود: «عبـادت شـما در هنگـام غیبت امام غایب و دولت باطل و با فضـیلت‌تر از عبادت در زمان امـامت امـام ظاهر و حکومت او می‌باشـد بدانیـد کسـی که یک عمل واجب را به نیکوئی در وقتش، به هنگام غیبت امام انجام دهد خداونـد برایش ثواب بیست و پنـج رکعت نمـاز فریضه را منظور می‌فرمایـد و کسـی که یـک نماز نافله را به وقتش به نیکوئی انجام دهـد خداوند متعال برای او ثواب ده رکعت نماز مسـتحبی می‌نویسد و کسـی که یک کار نیک به جا آورد خداوند اجر بیست کار نیک برای او خواهد نوشت...» [۸۲] .

هشدار به انسان منتظر

ای شیعه تو وظیفه داری که معـارف دین و احکام قرآنت را فراگیری و پایه‌های اعتقادی خود را با دلیل و منطق محکم نمائی تا هم خود از خطر انحراف دشـمنان عقیـده‌ات محفوظ باشـی و هم حقایق درخشان اسـلام را به دیگران بیاموزی، به خصوص در عصـری زنـدگی می کنی که [صـفحه ۸۶] اصـول اعتقـاداتت بـه ویژه اصـل محکـم امـامت دسـتخوش خطر و حمله قرار گرفته است بایـد با کوشـش و جدیت از حریم دینت دفاع کنی و حافظ و پاسدار قرآن و امام زمانت باشـی تا گوهر ایمانت مورد دسـتبرد دزدان دین و شرف که مصـلح نماهـا و پیروان دروغین آنـان می‌باشـند، قرار نگیرد از اینجا است که بزرگان دین و پیامبر اکرم (ع) فرمودنـد: «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میته جاهلیهٔ». یعنی کسـی که بمیرد و امام زمان خود را نشـناسد (یک شیعه بی‌تفاوت و بی‌مسؤولیت باشـد) هماننـد زمان جاهلیت و شـرک مرده است. ای انسان منتظر تو بایـد محیط را با فداکاری خود بسازی و افکار انسان‌ها به ویژه گمگشـتگان از راه اسـلام را روشن نمائی تا برای قیام و حکومت ظاهری امام عصـر (ع) آماده شونـد و شب و روز، منتظر (به مفهوم واقعی انتظار) آن مصـلح عالم باشـند. تو در مکتب امامی تربیت شده‌ای و دم از محبت و پیروی رهبری می‌زنی که زبان و چشـمن و قلب تو را مسـئول و موظف قرار داده چنـانچه فرمود: [صـفحه ۸۷] من ترک انکـار المنکر بقلبه و لسـانه و یـده فهو میت بین الاحیاء [۸۳] . یعنی: کسی که کار زشت و ناروا را با قلب و زبان و دستش زشت و ناپسند نشمارد و نهی از بدی را ترک کند چون مرده‌ای بین زنـدگان می‌باشـد. ای شـیعه، پیامبر اکرم تو را دیده‌بان و ناظر کار انسان‌ها قرار داده، در راهنمائی دیگران و ارشاد گمگشـتگان موظف سـاخته است، اگر تو این وظیفه خطیر و سـنگین را ابلاـغ نکنی و بی‌تفـاوت باشـی به منطق آن بزرگوار یک مؤمن ضـعیف و بیچـاره‌ای هسـتی که گویـا دینی و ایمـانی برای تـو نیست چنـانچه فرمود «ان الله یبغض المؤمن الضـعیف الـذی لاـ دین له فقیـل و ما المؤمن الضـعیف الـذی لا دین له قال (ص) الـذی لا ینهی عن المنکر [۸۴] . یعنی: هر آینه خداونـد مؤمن ضـعیفی را که دین ندارد دشـمن دارد پرسـیده شد که مؤمن ضـعیفی که دین ندارد کیست؟ فرمود آنکه از زشتی جلوگیری نمی‌کند. [صـفحه ۸۸] ای منتظر امام عصـر، تو وظیفه داری که نسبت به آن بزرگوار شناخت حقیقی پیدا کنی آن شناختی که شور و هیجان و حرکت و کوشش در تو ایجاد کند و تو را برای اصـلاح محیط و پاک کردن روح انسان‌ها و شـناساندن امام زمان به دیگران آماده نماید. تو خود باید در محیـط کـار و زنـدگیت مکتب انتظـاری تأسیس کنی و به تربیت و پرورش هم نوعان خود مشـغول شوی، تو هر که هستی و در هر مقامی به سـر می‌بری باید به دین وظیفه مهم قیام نمائی و با یک دنیا عشق و امید و کوشـش مداوم خستگی‌ناپذیر افکار برادرانت را به نـور اسـلام و قرآن روشن سـازی و دل‌هـای آنـان را به محبت و عشق مولاـی عـالم حضـرت حجهٔ بن الحسن العسـکری مالامـال

گردانی. تو باید همانند مجاهدین صدر اسلام و بزرگان دین، چون ابی‌ذر و سلمان و حجر بن عدی و بلال حبشی و عمرو بن حمق خزاعی و زید بن علی بن الحسین و دیگر مفاخر تشیع اولاـ در مکتب انتظار تربیت شوی و روح و روانت را با آب زلال توحید و محبت اهل البیت صفا بخشی. ثانیا در راه بیداری افکار جامعه و توجه دادن به ظهور و قیام آن بزرگ مصلح، [صفحه ۸۹] سراپا بکوشی که اگر در این راه مقدس عمرت را به سر آوری به فرموده‌ی امام صادق (ع) همانند کسی هستی که در سراپرده‌ی نورانی امام عصر ارواحنا فداه به سر می‌برد. شب و روز تو باید به انتظار و خدمتگزاری او به سر آید و هر وقت که چشم به افق نورانی صبحگاه می‌اندازی یاد زندگانی در افق حکومت ملکوتی امام زمان به سرور و نشاطتت در آورده، شور و هیجانی در تو ایجاد کند که همانند یعقوب منتظر آنی چشم از راه یوسف خود فرو نبندی و لحظه‌ای یاد او را فراموش نکنی. آیا می‌دانی در انتظار کسی به سر می‌بری که همه پیامبران و امامان مشتاق لقای جمال نورانی او بودند. آیا توجه داری که در این عصر غیبت به خدمتگزاری شخصیتی مشغول هستی که امام چهارم دیدن قیافه‌ی او را از خدا آرزو می‌کرد. آیا می‌دانی در انتظار قائم و مصلحی هستی که امام رضا پیشوای هشتم (ع) وقتی لقب مخصوصش را در مجلس خود می‌شنید به تمام قامت می‌ایستاد و در پیشگاه خداوند در حالی که دست مبارک روی سر می‌گذاشت عرض می‌کرد: [صفحه ۹۰] اللهم عجل فرجه و سهل مخرجه [۸۵] . یعنی خدایا در فرجش تعجیل و شتاب کن و راه قیامش را آماده و هموار فرما. پس تو ای شیعه و ای منتظر از امر به معروف و نهی از منکر غافل مباش و در نجات هم نوعان به ویژه گمراهان کوشش کن و مشکلات را در این راه مقدس با بردباری و صبر تحمل نما و به عشق امام عصر و جهت خدمتگزاری به آستان مقدسش سختی‌ها را به جان بپذیر که به فرموده حضرت سید الشهداء (ع) «کسی که در زمان غیبت بر سختی و تکذیب صبر کند و تحمل نماید چون سرباز مجاهدی است که پیش روی رسول اکرم با دشمنان دین بجنگد» [۸۶] . تو این انسانی که در مسلک دیگری هستی که وجدان و روحت از بی‌اساس بودن آن ناراحت و افسرده است بکوش تا خود را از قید آن رهاسازی و روانت را از اسارت آن مکتب مصنوعی نجات دهی. اگر یک فرد منصف و عاقلی هستی مطالب این نشریه تو را از تردید و تحیر بیرون آورده به مصلح [صفحه ۹۱] حقیقی و امام زمان واقعی راهنمائیت می‌کند که خدای بزرگ عقل و هوش به تو عطا کرده تا از هدایت آن برخوردار شوی و مصلح حقیقی را از مصلح نماها باز شناسی. که اگر در این راه نکوشی و از وادی گمراهی و ضلالت بیرون نیائی به خود ستم نموده‌ای. ما به عنوان یک برادر دلسوز به تو توصیه و سفارش می‌کنیم که به دقت این نوشته را بخوان و در فرموده‌های پیامبر اکرم و امامان شیعه و حتی گفته‌های رهبران خود تأمل کن که راه شناخت امام زمان حقیقی را کاملا نشان دادند و به خاطر اینکه چون تو انسان روزی در حیرت و سرگردانی قرار نگیری و خدا نکرده راه ضلالت را نپیمائی تمام مشخصات آن مصلح بر حق را بیان فرمودند و راه درست و صراط مستقیم و سعادت را پیش پای تو باز کردند تا به سعادت خود برسی و با اندیشه و فکر که شعار هر انسان عاقلی است خویشتن را از پیروی انسان نماها بیرون آوری، امید است در این راه مقدس موفق و پیروز شوی و به آغوش گرم اسلام عزیز باز گردی، توفیق تو و انسان‌های مانند تو را از خدای بزرگ خواستاریم. [صفحه ۹۲]

مصلح کل

ای که در حسن کسی همسر و همتای تو نیست جلوه‌ی ماه فلک چون رخ زیبای تو نیست سرو افراخته چون قامت رعنای تو نیست کیست آنکو به جهان واله و شیدای تو نیست گرچه پنهان ز نظر روی نکوی تو بود چشم ارباب بصیرت همه سوی تو بود آتش عشق تو در سینه نهفتن تا کی همه شب از غم هجر تو نخفتن تا کی طعنه ز اغیار تو این یار شنفتن تا کی روی نادیده و اوصاف تو گفتن تا کی چهره بگشای که رخسار تو دیدن دارد سخن از لعل تو ای دوست شنیدن دارد اگر ای مه ز ره مهر بیائی چه شود نظری جانب عشاق نمائی چه شود [صفحه ۹۳] غنچه‌ی لب به تکلم بگشائی چه شود همچو بلبل به چمن نغمه‌سرائی چه شود بی

گل روی تو گلزار ندارد رونق از صفای تو صفا یافته گیتی الحق دل بود شیفته‌ی طره مویت ای دوست چشم ما، هست شب و روز به سویت ای دوست جان به لب آمده از دوری رویت ای دوست کس نیاورد خبر از سر کویت ای دوست ره نبردیم به کوی تو و خون شد دل ما رفت بر باد فنا از غم تو حاصل ما خاطر ما ز فراق تو پریشان تا چند دوستان از غم تو بی‌سر و سامان تا چند خانه‌ی دل بود از هجر تو ویران تا چند در پس پرده‌ی غیبت شده پنهان تا چند پرده ای ماه فروزنده ز رخسار فکن تا جهان را کنی از نور جمالت روشن روی زیبای تو ای دوست ندیدیم آخر گلی از گلشن وصل تو نچیدیم آخر [صفحه ۹۴] نغمه‌ی روح فزایت نشنیدیم آخر چون هلال از غمت ای ماه خمیدیم آخر روز ما تیره تر از شب بود از دوری تو زده آتش به دل ما غم مستوری تو شب تار همه را ماه دل افروز توئی عارفان را بخدا معرفت آموز توئی داور و دادرس و دادگر امروز توئی مصلح کل توئی و بر همه پیروز توئی هر که آزاده و دانشور و صاحبنظر است بهر اصلاح جهان منتظر منتظر است ما همه بنده توئی صاح ما سرور ما نبود جز تو کسی قائد ما رهبر ما چون توئی در همه جا حامی ما یاور ما در پناه تو بود ملت ما کشور ما سایه لطف تو تا بر سر احباب بود دل ز مهر تو چو خورشید جهانتاب بود ما همه عاشق دلداده و جانانه توئی رهبر مردم آزاده و فرزانه توئی [صفحه ۹۵] صدف دین خدا را در یکدانه توئی قدمی رنجه نما صاحب این خانه توئی خانه‌ی صبر ز هجران تو گردید خراب از ره لطف و کرم منتظران را دریاب خاطر آشفته چنین پیرو قرآن مپسند بی‌پناه این همه افراد مسلمان مپسند بیش از این ذلت این جمع پریشان مپسند دوست را دستخوش فتنه‌ی دوران مپسند تا بکی نزد کسان بی‌کس و یاور باشیم چند از دوری روی تو در آذر باشیم سوی ما کن نظری از پی دل داری ما که کند غیر تو از مهر و وفا یاری ما تا تو از لطف نیائی به هوا داری ما که دهد خاتمه آخر به گرفتاری ما ما همه منتظر مقدم فرخنده‌ی تو تا ببینیم مگر چهره‌ی تابنده‌ی تو دل افسرده‌ی ما را ز غم آکنده ببین مسلمین را ز هم ای دوست پراکنده ببین [صفحه ۹۶] آشنا را بر بیگانه سرافکنده ببین از غم بی‌هنری یک سره شرمنده ببین چه بگویم که تو خود آگهی از راز نهان باری آنجا که عیانست چه حاجت به بیان بی تو ما، در کف بیگانه گرفتار شدیم خون جگر از ستم دشمن مکار شدیم توسری خور ز هوسرانی اشرار شدیم در بر خلق جهان خوارتر از خوار شدیم اجنبی پای چو درکشور اسلام نهاد هستی ملت ما را ز جفا داد به باد سال‌ها دم زند از مهر ولایت قدسی می‌کند صبح و مسا مدح و ثنایت قدسی فکند کاش سر خویش به پایت قدسی تا کند جان خود از شوق فدایت قدسی چون شود گر کنی از لطف به قدسی نظری تا که از نخل وصال تو بچیند ثمری

پاورقی

[۱] کتاب منتخب الاثر ص ۴۹۸.

[۲] اقتباس از نشریه کانون بحث مشهد.

[۳] اقتباس از نشریه کانون بحث مشهد.

[۴] حدید آیه ۱۶.

[۵] ترجمه از بحار ج ۵۱ ص ۵۴.

[۶] بشارات عهدین ص ۲۳۶.

[۷] انبیاء آیه ۱۰۵.

[۸] ج ۵۱ ص ۴۷.

[۹] بشارات عهدین ص ۲۴۴.]

[۱۰] ادیان و مهدویت ص ۱۹.

[۱۱] کلمه‌ی منصور در آیه ۳۳ سوره بنی‌اسرائیل به امام عصر تأویل شده است.

[۱۲] کمال الدین چاپ جدید ص ۲۵۳ و ۲۸۰.

[۱۳] بشارات عهدین ص ۲۴۶ و ۲۴۷.

[۱۴] دولت مهدی ص ۱۰.

[۱۵] ادیان و مهدویت ص ۳۹ و ۴۰.

[۱۶] توضیح آنکه اگر پیشتر راجع به افراد بزرگ و مشهور در مورد اعتقاد ملل پیشین و مردم گذشته مطالبی نوشتیم نه از باب اینکه آنان مصلح و رهبر حقیقی هستند بلکه منظور این بود که اعتقاد به یک رجل آسمانی و قیام کننده‌ی حقیقی در آخرالزمان جزء امور روشن و بدیهی بوده و این چنین عقیده حاکی از قیام آسمانی و شکوهمند یک پیشوای مقتدر و یک مصلح آسمانی می‌باشد.

[۱۷] توجه داشته باشید که ما گفتار راسل را تنها، راه شناخت مصلح اسلام نمی‌دانیم و سخن او را ملاک کامل امام عصر نمی‌شماریم بلکه این فراز برای بعضی از روشنفکر مآب‌ها نوشته شد زیرا گفتار قرآن و پیامبر اکرم و امامان برای شناخت مصلح حقیقی کافی است و به گفتار دیگران نیازی نیست.

[۱۸] به کتب اعتقادی از جمله کافی (کتاب الحجة) مراجعه شود.

[۱۹] ترجمه از کتاب الزام الناصب ص ۲۳۰.

[۲۰] منتخب الاثر ص ۴۸۳.

[۲۱] بحار ج ۵۲ ص ۳۳۶.

[۲۲] «ان هذه الایة مخصوصة بصاحب الامر الذی یظهر فی آخر الزمان و یبید الجبابرة و الفراعنة و یملك الارض شرقا و غربا فیملأها عدلا کما ملئت جورا» تفسیر برهان چاپ جدید ج ۳ ص ۲۲۰.

[۲۳] «ان ذلک یکون عند خروج المهدی من آل محمد فلا یبقی احد الا اقر بمحمد». از تفسیر برهان ج ۲ ص ۱۲۱.

[۲۴] مکیال المکارم ص ۹۵.

[۲۵] بحار ج ۵۱ ص ۱۵۰.

[۲۶] ترجمه از منتخب الاثر ص ۲۲۱.

[۲۷] بحار ج ۵۲ باب سیره و اخلاقه.

[۲۸] سوره بنی‌اسرائیل آیه ۸۱.

[۲۹] بحار ج ۵۱ ص ۶۲.

[۳۰] «النعمة الظاهرة الامام الظاهر و الباطنة الامام الغائب یغیب عن ابصار الناس شخصه و یظهر له کنوز الارض و یقرب علیه کل بعید» بحار ج ۵۱ ص ۶۴.

[۳۱] ... «قال رسول الله صلی الله علیه و آله ان خلفائی و اوصیائی و حجج الله علی الخلق بعدی اثنا عشر اولهم اخی و آخرهم ولدی قیل یا رسول الله و من اخوک؟ قال علی بن ابیطالب، قیل فمن ولدک؟ قال المهدی الذی یملاءها قسطا و عدلا کما ملئت جورا و ظلما و الذی بعثنی بالحق نبیا لو لم یبق من الدنیا الا یوم واحد لطول الله ذلک الیوم حتی یخرج فیه ولدی المهدی فینزل روح الله عیسی بن مریم فیصلی خلفه و تشرق الارض بنوره و یبلغ سلطانه المشرق و المغرب» از کمال الدین ص ۲۸۰.

[۳۲] «لما انزل الله تبارک و تعالی علی نبیه صلی الله علیه و آله «یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم» قلت یا رسول الله قد عرفنا الله و رسوله فمن اولو الامر الذی قرن الله طاعتهم بطاعتک فقال هم خلفائی و ائمة المسلمین بعدی اولهم علی بن ابیطالب ثم الحسن ثم الحسین ثم علی بن الحسین ثم محمد ابن‌علی المعروف فی التوراة بالباقر ستدرکه یا جابر فاذا لقیته فاقرأه عنی السلام ثم الصادق جعفر بن محمد ثم موسی بن جعفر ثم علی بن موسی ثم محمد بن علی ثم علی بن محمد ثم الحسن ابن‌علی

ثم سمیی و کنیی حجهٔ الله فی ارضه و بقیته فی عباده ابن‌الحسن ابن‌علی ذاک الذی یفتح الله علی یدیه مشارق الارض و مغاربها و ذاک الذی یغیب عن شیعته و اولیائه غیبهٔ لا یثبت فیها علی القول بامامته الا من امتحن الله قلبه للایمان» (از منتخب الاثر ص ۱۰۱).

[۳۳] عن الاصبغ بن نباته قال اتیت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام فوجدته متفکرا ینکت فی الارض فقلت یا امیرالمؤمنین ما لی اراک متفکرا تنکت فی الارض ارغبت فیها؟ فقال لا و الله ما رغبت فیها و لا فی الدنیا یوما ما قط و لکن فکرت فی مولود یکون من ظهر الحادی عشر من ولدی هو المهدی یملاءها عدلا کما ملئت جورا و ظلما...» کافی ترجمه مصطفوی ج ۲ ص ۱۳۶.

[۳۴] کمال الدین ص ۳۰۴.

[۳۵] کمال الدین ص ۳۰۷.

[۳۶] «اما علمتم انه ما منا احد الا و یقع فی عنقه بیعهٔ لطاغیهٔ زمانه الا القائم الذی یصلی روح الله عیسی بن مریم علیه‌السلام خلفه فان الله عزوجل یخفی ولادته و یغیب شخصه لئلا یکون لاحد فی عنقه بیعهٔ اذا خرج، ذلک التاسع من ولد اخی الحسین... یطیل – الله عمره فی غیبته ثم یظهره بقدرته فی صورهٔ شاب دون اربعین سنهٔ ذلک لیعلم ان الله علی کل شیء قدیر» کمال‌الدین ص ۳۱۶.

[۳۷] خواننده‌ی عزیز ملاحظه می‌فرمائید در این چند روایت تمام مشخصات و علائم مصلح حقیقی بیان شده است به خوبی آن شخصیت آسمانی معرفی و شناخته گشت تا مردم روی نادانی و منظور دیگر به دنبال مصلح نماها نروند و قائم حقیقی را از مدعیان مصنوعی باز شناسند.

[۳۸] کمال الدین ص ۳۱۷.

[۳۹] «فی القائم منا سنن من الانبیاء سنهٔ من ابینا آدم علیه‌السلام و سنهٔ من نوح و سنهٔ من ابراهیم و سنهٔ من موسی و سنهٔ من عیسی و سنهٔ من ایوب و سنهٔ من محمد صلوات الله علیهم فاما من آدم و نوح فطول العمر و اما من ابراهیم فخفاء الولادهٔ و اعتزال الناس و اما من موسی فالخوف و لغیبهٔ و اما من عیسی فاختلاف الناس فیه و اما من ایوب فالفرج بعد البلوی و اما من محمد صلی الله علیه و آله فالخروج بالسیف» کمال الدین ص ۳۲۲.

[۴۰] «القائم منا منصور بالرعب مؤید بالنصر تطوی له الارض و تظهر له کنوز الارض یبلغ سلطانه المشرق و المغرب و یظهر الله عزوجل به دینه علی الدین کله و لو کره المشرکون فلا یبقی فی الارض خراب الا قد عمر... فاذا خرج اسند ظهره الی الکعبهٔ و اجتمع الیه ثلاثمأهٔ و ثلاثهٔ عشر رجلا و اول ما ینطق به هذه الایهٔ «بقیهٔ الله خیرلکم ان کنتم مؤمنین» ثم یقول انا بقیهٔ الله فی ارضه و خلیفته و حجته علیکم...» کمال الدین ص ۳۳۱.

[۴۱] قال الصادق «الخلف الصالح من ولدی و هو المهدی اسمه محمد و کنیته ابوالقاسم یخرج فی آخرالزمان... و هو ذوالاسمین خلف و محمد یظهر فی آخر الزمان و علی رأسه غمامهٔ تظله من الشمس تدور معه حیثما دار تنادی بصوت فصیح هذا المهدی» منتخب الاثر ص ۲۱۴.

[۴۲] عن بن یونس عبدالرحمن قال: «دخلت علی موسی بن جعفر فقلت یا ابن‌رسول الله انت القائم بالحق؟ فقال انا القائم بالحق و لکن القائم الذی یطهر الارض من اعداء الله و یملاءها عدلا کما ملئت جورا هو الخامس من ولدی له غیبهٔ یطول امدها» بحار ۵۱ ص ۱۵۱.

[۴۳] بحار ۵۱ ص ۱۵۴.

[۴۴] عن عبدالعظیم الحسنی قال دخلت علی سیدی محمد بن علی علیهماالسلام و انا اریدان اسأله عن القائم أهو المهدی او غیره؟ فابتدأنی فقال یا اباالقاسم ان القائم منا هو المهدی الذی یجب ان ینتظر فی غیبته و یطاع فی ظهوره و هو الثالث من ولدی و الذی بعث محمدا بالنبوهٔ و خصنا بالامامهٔ انه لو لم یبق من الدنیا الا یوم واحد لطول الله ذلک الیوم حتی یخرج فیملاء الارض قسطا و عدلا کما ملئت جورا و ظلما» بحار ج ۵۱ ص ۱۵۶.

[۴۵] کمال الدین ص ۳۸۳.

[۴۶] بحار ج ۵۱ ص ۱۶۰.

[۴۷] کمال الدین ص ۹، ۴.

[۴۸] ترجمه از کمال الدین، ص ۳۸۴.

[۴۹] منتخب الاثر ص ۱۵۳.

[۵۰] ترجمه المهدی ص ۱۲.

[۵۱] خورشید مغرب ص ۴۹.

[۵۲] ترجمه المهدی ص ۸۸.

[۵۳] خوانندگان گرامی در این مورد و آشنائی بیشتر می‌توانند به کتاب‌های: مهدی در اسلام، نوید امن و امان، دادگستر جهان، ادیان و مهدویت، در فجر ساحل، خورشید مغرب، نوید، و مشکلات مذهبی روز مراجعه فرمایند.

[۵۴] به کتاب پرنس دالگور کی و کینیازدالگور کی مراجعه فرمائید.

[۵۵] منظور از مشاهده در این توقیع شریف حاکی از ادعای نیابت خاصه است که ممنوع شده.

[۵۶] ترجمه از منتخب الاثر ص ۳۹۹ و ۴۰۰.

[۵۷] آقایان احمد یزدانی و غلامرضا روحانی مبلغان مشهور بهائی در دو کتاب نظر اجمالی در دیانت بهائی و برهان واضح، تفسیر سوره‌ی یوسف و تفسیر سوره‌ی بقره را از کتاب‌های خطی باب شیرازی می‌دانند و هر کتابی از بهائیان که در این نشریه آمده در فهرست نظر اجمالی و برهان واضح، از کتاب‌های معتبر جامعه بهائیت محسوب شده است.

[۵۸] ترجمه آیه ۶۹ سوره‌ی عنکبوت قرآن کریم.

[۵۹] از کتاب‌های مقدماتی طلاب علوم دینی.

[۶۰] بنا به گفته‌ی فاضل مازندرانی مبلغ معروف بهائی در پاورقی ص ۴۳۷ کتاب ظهور الحق.

[۶۱] ظهور الحق تألیف فاضل مازندرانی مبلغ بهائی (پاورقی ص ۱۷۳).

[۶۲] کتاب قاموس توقیع منیع مبارک ج ۲ ص ۵۱ و ۵۲.

[۶۳] لوح هیکل الدین نوشته باب ص ۵.

[۶۴] قرن بدیع قسمت دوم تألیف شوقی افندی ص ۳۲ و ۳۳ و ۸۶ و ۸۷.

[۶۵] به کتابچه پرنس دالگور کی و خدای قرن اتم و راه راست مراجعه فرمائید.

[۶۶] حدیث جابر یا لوح فاطمه سلام الله علیها، حدیث شریف معروفی است که خداوند متعالی بر رسول اکرم نازل فرموده که نام‌های مقدس امامان از جمله امام عصر علیه‌السلام به صورت (م – ح – م – د) در آن نقل شده و رسول اکرم به مناسبت میلاد امام حسین علیه‌السلام آن را به زهرا هدیه فرمود.

[۶۷] تنها یک سؤال برای ایشان باقی می‌ماند که جای آن حضرت کجا است و در چه مکانی ساکن هستند در جواب باید گفت که بر اساس احادیث صحیح اسلامی آن بزرگوار نه در جا بلقا و نه در جا بلسا بلکه در میان مردم زندگی کرده و تنها مردم حضرتش را نمی‌شناسند.

[۶۸] سوره قصص آیه ۵ «ما اراده می‌کنیم که منت بگذاریم کسانی را که در روی زمین ضعیف شده‌اند پیشوایان و وارثان قرار بدهیم».

[۶۹] بحار ج ۵۱ ص ۱۳ توضیح آنکه سخن گفتن امام عصر که به قدرت خداوند بستگی دارد چیز سهل و ساده‌ای است چنانچه

حضرت مسیح در کودکی طبق سوره مریم قرآن کریم سخن گفت و همین طور به حضرت یحیی در کودکی حکم پیامبری داده شد (سوره مریم). در میان افراد معمولی بوعلی سینا و علامه حلی و ابن‌شهر آشوب از شرق و استوارت میل از غرب در کودکی نابغه بودند و طبق نقل تاریخ در کودکی بعضی از آنان قرآن را حفظ داشتند.

[۷۰] ترجمه از منتخب الاثر ص ۳۲۰.

[۷۱] ترجمه از کمال الدین به اختصار ص ۴۳۳ و ۴۳۴.

[۷۲] آقای احمد یزدانی مبلغ بهائی در کتاب نظر اجمالی در دیانت بهائی قسمت فهرست کتاب‌های بهائیه دو کتاب تفسیر سوره بقره و تفسیر سوره کوثر را از باب می‌پندارند.

[۷۳] در نشریه بعدی مفصل راجع به غیبت امام عصر بحث می‌شود.

[۷۴] کمال الدین ص ۳۴۰.

[۷۵] ترجمه از منتخب الاثر به اختصار ص ۱۸۸.

[۷۶] از فجر ساحل ص ۵۳.

[۷۷] تحف العقول ص ۳۷ چاپ جدید.

[۷۸] کمال الدین ص ۶۴۵.

[۷۹] منتخب الاثر ص ۵۱۳.

[۸۰] ترجمه از کمال الدین به اختصار ص ۳۲۰.

[۸۱] ترجمه از بحار ج ۵۲ ص ۱۴۰.

[۸۲] ترجمه مختصر از مکیال المکارم ص ۱۴۳.

[۸۳] مجموعهٔ الاخبار ص ۲۳۱.

[۸۴] مجموعهٔ الاخبار ص ۲۳۱.

[۸۵] دادگستر جهان ص ۱۴۵.

[۸۶] ترجمه از کمال الدین ص ۳۱۷.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فی سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج – به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹